

# خودآموز دستور زبان کردی کرمانجی

بهار ضیفی

فارسی	کورمانجی				IPA
	تنها	پایانی	میانی	ابتدایی	
آا	ا	ا	ا	ئا	[a:]
ب	ب	ب	ب	ب	[b]
ج	ج	ج	ج	ج	[dʒ]
چ	چ	چ	چ	چ	[tʃ]
د	د	د	د	د	[d]
فتحه َ	ه	ه	ه	ه	[æ]
کسره کشیده	ئ	ئ	ئ	ئ	[ɜ:]
ف	ف	ف	ف	ف	[f]
گ	گ	گ	گ	گ	[g]
ح، ه، ه	ه	ه	ه	ه	[h]
کسره کوتاه ِ	ـ	ـ	ـ	ئا	[e]
ایی	ی	ی	ی	ئی	[i:]
ژ	ژ	ژ	ژ	ژ	[ʒ]
ک	ک	ک	ک	ک	[k]
ل	ل	ل	ل	ل	[l]
م	م	م	م	م	[m]
ن	ن	ن	ن	ن	[n]
ضمه کشیده	ۆ	ۆ	ۆ	ۆ	[o]
پ	پ	پ	پ	پ	[p]
ق	ق	ق	ق	ق	[q]
ر	ر	ر	ر	ر	[r]
س	س	س	س	س	[s]
ش	ش	ش	ش	ش	[ʃ]
ت	ت	ت	ت	ت	[t]
ضمه کوتاه ُ	و	و	و	ئو	[ʊ]
او	وو	وو	وو	ئوو	[u:]
واو	ف	ف	ف	ف	[v]
واو دولبی	و	و	و	و	[w]
خ	خ	خ	خ	خ	[x]
غ	غ	غ	غ	غ	[ɣ]
ی	ی	ی	ی	ی	[j]
زاض اذاظ	ز	ز	ز	ز	[z]
ئ / همزه	ئ	ئ	ئ	ئ	[ʔ]

## فهرست

۱.....	مقدمه
۳.....	القبای کردی کرمانجی
۸.....	تمرین القبا
۹.....	جیناف (ضمیر)
۹.....	جینافین که سین (ضمایر شخصی)
۱۰.....	ضمایر شخصی ساده (مستقیم غیر صرفی)
۱۰.....	ضمایر شخصی صرفی (غیرمستقیم)
۱۱.....	ضمایر شخصی ساده در سه خستی های نمونه
۱۲.....	جینافین که سینین ته واندی (ضمایر شخصی صرفی / غیرمستقیم)
۱۲.....	کاربرد ضمایر ساده
۱۲.....	۱- کرارا لیکه رین په یوه نندی (فاعل فعل های ربطی)
۱۳.....	۲- کرارا لیکه رین نه گه رگو هیزین (فاعل فعل های لازم)
۱۴.....	۳- کرارا لیکه رین گه رگو هیزین ده ما نها (فاعل فعل های متعدی زمان حال)
۱۴.....	۴- کرارا هه فوکین ده ما بئ (فاعل جملات زمان آینده)
۱۴.....	۵- به رکارا لیکه رین گه رگو هیزین ده ما بوری (مفعول افعال متعدی در زمان گذشته)
۱۵.....	جینافین ته واندی (ضمایر شخصی صرفی)
۱۵.....	کاربرد ضمایر صرفی
۱۵.....	۱- کرارا لیکه رین گه رگو هیزین ده ما بوری (فاعل افعال لازم در زمان گذشته)
۱۵.....	۲- به رکارا لیکه رین گه رگو هیزین ده ما نها (مفعول افعال متعدی در زمان حال)
۱۶.....	۳- پاشگرا (زیده ک) نافدیران (وابسته های اسمی)
۱۶.....	۴- پشتی داچه کی (بعد از حرف اضافه)
۱۶.....	نمونه سه خستی از ضمایر صرفی
۱۷.....	جینافین نیشانی (ضمایر اشاره ای)
۱۸.....	سه خستی های نمونه حاوی ضمایر اشاره دور و نزدیک
۲۰.....	ناسینا که س و تشتان (نشان دادن اشخاص و اشیا)
۲۲.....	جینافین پرسبی (ضمایر پرسشی)
۲۲.....	کی
۲۳.....	کی

۲۳	چ (چه / چه چیزی).....
۲۴	چهند (چند) .....
۲۵	کیزان (کدام).....
۲۶	کو (کجا).....
۲۶	سایر ضمائر پرسشی .....
۲۷	تهوانگ (صرف کردن، خم شدن، دوتا کردن).....
۲۸	حالت ساده (غیر صرفی) در فرم معلوم .....
۲۸	حالت ساده (غیر صرفی) در فرم مجهول.....
۲۹	حالت صرفی در فرم معلوم .....
۲۹	۱- مفرد و مؤنث: ئی .....
۲۹	۲- مفرد و مذکر: ی .....
۳۰	۳- جمع: ان .....
۳۱	حالت صرفی در فرم مجهول .....
۳۱	شناسه‌ی صرفی مجهولی مفرد مؤنث.....
۳۱	شناسه‌ی صرفی مجهولی مفرد مذکر .....
۳۲	شناسه‌ی صرفی مجهولی برای جمع هم مذکر و هم مؤنث: ئنان .....
۳۲	جایگاه و کاربرد صرف ساختوازی در جمله .....
۳۷	اسم از لحاظ جنسیت .....
۴۲	جنس اسم‌ها در کردی کرمانجی .....
۴۵	مثال و سه‌خشتی: .....
۴۸	ندا .....
۴۸	لۆ - و .....
۵۰	لی - ئی .....
۵۱	نۆ .....
۵۲	ئه‌ی، گه‌لی .....
۵۲	منابع .....

## مقدمه

دستور زبان؛ نسخه‌ی زندگی زبان ما

بلوغ یا گذر به سمت بلوغ؟ نامش هر چه باشد، شعر امروز کردهای خراسان، به تبع تعالی سواد نوشتن و خواندن مخاطبانش، در مرحله‌ی بلوغ یا گذار به سمت بلوغ است. واقعیت این است که خواندن و نوشتن کردی کرمانجی در خراسان، به دلیل سابقه‌ی کم، هنوز راه دراز و دشواری تا رسیدن به مرز مطلوب و اقبال عمومی و رشد همگانی دارد؛ اما شعر و شاعری، با اتکا به یک هزاره تجربه‌ی شعر پارسی و بیش از چهار قرن موجودیت شعر کرمانجی در خراسان از جهت محتوایی و فنی، به نوعی بلوغ کلامی و مضمونی رسیده است.

پذیرش این واقعیت همچنان که محل اعتنا و اعتبار به شعر می‌بخشد، شاعران کردی‌سرای خراسان را در برابر وظایف عدیده و دشواری قرار می‌دهد. مهم‌ترین این وظایف و دغدغه‌ها، آن است که؛ شاعر برای حفظ موقعیت پیشروانه و بالندگی ذوقی و ادبی خود، بیش از عموم مردم باید خود را با ناز و نیازهای زبانی و علمی وفق دهد و در این عرصه نیز اسما و رسماً پیش‌قراول و پرچم دار باشد. فقدان اسناد و منابع و دستورالعمل مشخص برای نوشتار و گفتار استاندارد کردی در خراسان یکی از مهم‌ترین موانع نیل به چنین مقصودی است. هرچند که شاعر، رسول قوم و قبیله‌ی زبانی خویش است اما نبود مبنا و معیار، کمبودی است که می‌تواند هر شاعر متعهد و توانایی را دچار مخمصه کند. چه بسا که عدم اطلاع و اشراف بر ساختار علمی و چارچوب‌های دستوری یک زبان، در آینده‌ی محتوم؛ به پنبه‌شدن تمام رشته‌های یک شاعر صاحب‌ذوق و باتجربه منجر شود. درک این واقعیت تلخ از یک سو و عدم درک ضرورت‌های علمی و ادبی و دستوری از جانب اکثریت گویندگان و سرایندگان (به‌ویژه در میان کردهای خراسان) از سوی دیگر، موجب شده است تا اهل علم و دغدغه، به فکر یافتن راه چاره و اتخاذ روش‌هایی باشند که جمعیت بیشتری از اهل‌قلم را متقاعد به کسب دانش در حوزه‌ی زبان، دستور زبان، اصول صرف و نحو و صدالبته درست‌نویسی زبان کردی کند.

مجموعه‌ای که پیش چشم دارید، تلاشی است برای تدارک سهل‌ترین و نزدیک‌ترین راه وصول اهل‌قلم و علم به مقصود مورد اشاره. این تلاش را باید فروتنانه و مجدانه ارج نهاد و با استقبال و پذیرش صمیمانه، نیروی نویسندگان را در جهت تکمیل و اتمام این روند، دوجندان کرد. در یک جمله باید گفت و پذیرفت که؛ فراگیری آموزه‌های این مجموعه، برای گویندگان و نویسندگان کرد در خراسان، از اهم واجبات و به تعبیر قدمای قوم، «از نان شب هم واجب‌تر است». درعین حال، صاحب این قلم، ضمن عرض شادباش و سپاس صمیمانه خدمت نویسندگان خستگی‌نشناس و تمامی عزیزانی که در گردآوری و نگارش و عرضه این صفحات، فداکاری و همکاری پیوسته داشته‌اند، باید حسب تجربه و ضرورت سه نکته را در پایان این نوشتار به خود و هم‌زبانان اهل علم و ذوقم، یادآور شوم؛

یک؛ به دلیل جوان بودن علم دستور زبان در میان کردها و بالأخص در میان کردهای خراسان، همیشه باید آغوشمان جهت پذیرش یافته‌های نو و اصلاح آموزه‌ها و اصول کنونی، باز باشد.

دو؛ نظر به اینکه بیشترین آثار و اشعار فولکلوریک و کلاسیک کردی خراسان، بر اساس دریافت‌های شخصی و حسی پدیدآورندگان و به‌دوراز شناخت مبانی علمی دستور زبان کرمانجی گفته و نوشته شده است، می‌باید به تدریج راهی یا شیوه‌ای برای حفظ هویت این آثار و انطباقشان با رهیافت‌های دستوری پیدا شود. چنین رویکردی محتاج ارائه‌ی تعاریف لازم از تفاوت‌های گویشی و پذیرش تنوع لهجه‌های زبان ماست. قبول تفاوت‌های لهجه‌ای و فرق روایت‌های گفتاری و نوشتاری، همانند زبان پارسی، در زبان کردی نیز یک حقیقت و ضرورت علمی راهگشا و تعیین‌کننده است.

سه؛ حقیقت این است که دستور؛ علمی اساسی و مهم در شناسایی و تقویت اصول ساختاری و کالبدین یک زبان است. دستور زبان، مسئول مهندسی و طراحی و استحکام بنای زبان ماست و نادیده گرفتن آن، هر بنای زبانی و از جمله کردی را در معرض آسیب و تخریب قرار می‌دهد. درعین حال با توجه به اینکه بنا نیست ظرافت‌های مهندسی بنا را همه ساکنین بنا درک کنند و لازم است برای آرایش و تزئین و زیباسازی یک فضای مسکونی، به ذوق و سلیقه‌ی شخصی ساکنین ساختمان هم بها داده شود، در خصوص تعارضات و تقابلاتی که هرازگاهی بین دستور زبان‌دانان و شاعران و نویسندگان کرد خراسانی رخ می‌دهد، خواهش و سفارش من این است که؛ حتی الامکان، همکاری و همگرایی بین دو گروه با نهایت درک متقابل اتفاق بیافتد و از طرد و تخطئه‌ی کلی پرهیز شود تا خدای نخواستہ شعر ما، به تنی آراسته اما بی‌جان یا بالعکس بدل نشود.

تجربه‌ی شعر معاصر فارسی نشان داده است که درک متقابل بین اصول علمی دستور زبان و خلاقیت‌های ذوقی شاعرانه، امری الزامی است.

علیرضا سپاهی لایین

با سپاس فراوان از خانم‌ها و آقایان (به ترتیب حروف الفبا): صالح اسماعیلی، محمد تقوی، مهدی جعفرزاده، دکتر جواد رضایی، علیرضا سپاهی لایین، شیرکوه پهلوانی، گلی شادکام، دکتر صادق فرهادی که با پیشنهادها، نظرات و راهنمایی‌های خود ما در هر چه پربارتر کردن این مجموعه یاری کردند.

## الفبای کردی کرمانجی

الفبای کردی کرمانجی از ۳۴ حرف تشکیل می شود که ۷ حرف آن صدادار و ۲۷ حرف آن بی صدا می باشد.

حروف صدادار:

ا، ه، ی، ئ، و، ۆ، وو.

حروف بی صدا:

ئ (همزه)، ج، ح، خ، ه، ع، غ، ف، ق، پ، چ، گ، ک، م، ن، ت، ل، ب، ی، س، ش، د، ز، ر، و، ف، ی، ژ

حروف الفبای کردی کرمانجی:

ئ

کسره کشیده است: مانند

کئی گۆت: (چه کسی گفت؟!)، (میرک: مرد)، بیجان: (بدون جان)، کیم: (اندک)، میش (مگس)، ئاپۆ (عمو)، لیخستن: (زدن)

ۆ

این حرف از ضمه کشیده ترست:

سۆرک: (سرخک)، گۆل: (دریاچه)، گلۆر: (گرد)، مۆری: (مروارید)، مۆرک: (دکمه) و قوچان: (قوچان)

ه

حرکت فتحه است. (هَ)

مثال:

هه ره: (برو)، وه ره: (بیا)، مه شک: (مشک دوغ)، ده ره وین: (دروغگو)، هه لهه ست: (شعر)، ده رمان، (دارو)

ف

حرف (واوی) که در فارسی نیز تلفظ می کنید؛ در کردی به صورت (ف) نوشته می شود. هنگام تلفظ دندان بر روی لب پایین قرار می گیرد. مانند

سیتف: (سیب)، بیتفل: (بینی)، هه فال: (دوست)، لیثف: (لب)، ده فه: (شتر)، نفیسین: (نوشتن)، شیرفان: (شیروان)

و

در تلفظ این حرف، لبها روی یکدیگر قرار نمی گیرند! مانند: دهو: (دوغ)، کهو: (کبک)، داوهت: (عروسی)، تیرکهوان: (تیرکمان)، وار: (سرزمین)، شهوات: (سوزش)

ج

مانند ج فارسی تلفظ می شود. مثال:

جار: (دفعه)، جانی: (کره اسب)، جایل: (جوان و جاهل)، جینار: (همسایه)، جۆتکار: (کشاورز)، جۆت: (جفت)، جیورک: (دوقلو)

## خ

مانند خ فارسی تلفظ می شود. مثال:

خه وهر: (خبر)، خشه خش: (خش خش کردن)، خه و: (خواب)، کوخته کوخت: (سرفه کنان)، خه یال: (رویای)، خوارن: (خوردن)

## ف

مانند ف فارسی تلفظ می شود. مثال:

فام: (فهم)، فرین: (پریدن)، فهک: (فک، دهان)، فهرا: (ظرف)، فیتک: (سوتک)، فیستان: (لباس کردی)، سه رفراز: (سربلند)

## ق

مانند ق فارسی تلفظ می شود. مانند: قنجیر: (چروکیده)، قه فهس: (قفس)، قیژه قیژ: (سر و صدا)، قه فچل: (چرکین)، قرک/قژک: (کلاغ)،

## گ

مانند گ فارسی تلفظ می شود. مثال:

گاشه: (شاید)، گهرین: (گردش)، مانگه: (گاو ماده)، گیان: (زندگی، جان)، گور: (گورگ)، جانه گا: (گاو نر جوان)، گیریا: (گریه کرد)

## م

مانند م فارسی تلفظ می شود. مثال:

مشک: (موش)، مرن: (مردن)، مار: (مار)، میناک: (مثال)، مال: (خانه، دارایی)، مریشک: (مرغ)، مروّف: (انسان)

## ن

مانند ن فارسی تلفظ می شود.

نان: (نان)، نینک/نینۆک: (ناخن)، ناندان: (جانونی)، نیف: (نصف)، ناله نال: (ناله کنان)، نافدار: (معروف)، ههف ناسین: (شناخت هم)،

## ر

مانند ر فارسی تلفظ می شود.

مثال: رهف: (دسته، طبقه)، راکرن: (بلند کردن)، ریقی/رؤقی: (روباه)، رهش: (سیاه)، نافبه ر: (میانه)، زهر: (زرد)

نکته: حرف ر در برخی کلمات در کردی کرمانجی به صورت مشدد تلفظ می شود؛ که به صورت پ که نشانه دار است، نشان داده می شود.



مانند: پر: (زیاد)، که: (ناشنا)، کرین: (خریدن)

### چ

دو نوع چ در کرمانجی وجود دارد، یکی با تلفظ خشک (دمشی) و دیگری نرم (غیردمشی). هر دو حرکت نیز با چ نوشته می شود. مثال:

چ نرم: تلفظی مابین چ و ج دارد.

مثل چاف (چشم)، چافی / چافکانی: (چشمه)، نیچیر: (شکار)، پچیکه ک: (کمی)، که فچی: (قاشق)، ماچ: (بوسه)

چ خشک: (این حرف مثل چ فارسی تلفظ می‌شود). مانند: چار: (۴)، چه‌ره‌یی: (چطوری)، چارشه‌می: (چهارشنبه)، چارشاخ: (ابزار)، چاند: (کاشت، فرهنگ)، چن کرن: (درست کردن)

### ک

دو نوع ک در کرمانجی وجود دارد، یکی با تلفظ خشک (دمشی) و دیگری نرم (غیردمشی). هر دو حرکت نیز با ک نوشته می شود.

ک نرم: تلفظی مابین ک و گ دارد

کار: (بزغاله)، کیفکارک: (قارچ)، که فچی: (قاشق)، که‌زه‌پشک: (شش)، کراس: (لباس)، کا (کاه)، کافر: (بره شش ماهه)

### ک خشک

تلفظ آن مثل ک فارسی است. کار: (کار و شغل و پیشه)، کا، کودا: (کجا)، کوم: (کلاه)، کولاندن: حفر کردن، کوم: (گروه)، کیژان: (کدام)

### ا

این حرف مثل الف فارسی تلفظ می شود و نکته ایی که هست اینست که هیچ کلمه ایی با (ا) شروع نمی‌شود و به منظور نوشتن کلمه ای که با (ا) شروع می شود احتیاج به همزه (ئ) است. یعنی ابتدا همزه و سپس حرف ا. مانند:

دار: (درخت)، کار: (بزغاله)، جار: (دفعه) باران: (باران)، تالان: (غارت)

### همزه ئ

نار: (آتش)، ئاف: (آب)، ئیسال: (امسال)، قورئان: (قرآن)، ئیرو: (امروز)، ئه‌ز: (من)، ئیزنگ: (هیزم)

### ی

که صامت می باشد. مانند: یازده: (۱۱)، چای: (چای)، مه‌میمون: (میمون)، یه‌ک: (۱)، دنیا: (دنیا)، یار: (دوست و یار)، یا: (حرف ربط)

### ی

مصوت ی (که تلفظ ای دارد و کشیده است) مانند: سیر: (گیاه سیر)، شیر: (شیر خوراکی)، تری: (انگور)، ئیسال: (امسال)، کانی: (چشمه)، ئیشهف: (امشب)، منمیک: (پروانه)، ماسی: (ماهی)

د

مانند دال فارسی تلفظ می شود. مانند: دار: (درخت)، دهره‌نگ: (دیر)، دان: (تحویل دادن)، داف: (دام)، دز: (دزد)

ژ تلفظی مانند ژ فارسی دارد. مانند:

ژن: (زن)، ژیان: (زندگی)، ژنیرا: (زنداداش)، مؤژن/موژئی: (زن عمو)، ژار: (درمانده و ضعیف)، ژی: (هم، همچنین)، بژانگ: (مژه)، ژور: (بالا)

وو

این حرف از بین و ها کشیده ترین محسوب می شود: مانند: تووژ: (تیز)، ژووژی: (جوجه تیغی)، روونشتن: (نشستن)، موو: (موی سر)

شووژن: (جوالدوز، یا سوزن بزرگ)، بووک: (عروس)

ه

تلفظ مانند ه فارسی می باشد. مانند: هیک: (تخم مرغ)، هیقاله‌ک: (جارو)، هیت: (ران)، هه‌فال: (دوست)

ح

مختص کلماتی است که عربی اند و از عربی وارد فارسی و کردی شده اند. از معادل آنها یعنی هدر کردی استفاده می کنیم مانند:

حه‌ج: (هه‌ج)، حاجی: (هاجی)، محرم: (مه‌هره‌م)، حرکت: (هه‌ره‌که‌ت)

ت

دو نوع تلفظ ت داریم، ت خشک و نرم. ت نرم ما بین ت و د تلفظ می شود. به همین خاطر بعضیها اشتباها آن را د تلفظ میکنند که این کار غلط است.

ت نرم: تو: (تو)، تهر: (خیس)، ته‌مری: (خاموش شد)، تاری: (تاریک)، تری: (انگور)، تام: (مزه)، تیر: (غلیظ)، تال: (تلخ)

ت خشک: قه‌لشت: (ترک خورد)، ته‌شی: (دوک)، تیر: (تیر کمان)، تفانگ: (تفنگ)، تشت: (هیچی)، تفتک: (کلاه با پشم بز)

کلماتی که دارای حرف ط می باشند در کردی کرمانجی به صورت ت نوشته می شوند. مانند: تاهر (طاهر، پاک)، تالب: (طالب، خواهان)

و: ضمه،

ضمه در فارسی نوشته نمی شود ولی در کرمانجی نوشته می شود. مانند:

کورمانج: (کرمانج)، کورد: (کرد)، گول: (گل)، گور: (گورگ)، کول: (درد و زخم)

پ

در کردی کرمانجی دو نوع تلفظ پ وجود دارد، یکی با تلفظ خشک (دمشی) و دیگری نرم (غیر دمشی). هر دو تلفظ نیز با حرف پ نوشته می شود. مثال:

تلفظ خشک مانند: پار: (قسمت، سهم)، پاره‌فا: (تقسیم)، پرتی پرتی: (پاره پاره)، پیندک: (مرغ دونی)، پهرپه‌رۆک: (پروانه)، پشت: (پشت، عقب)

تلفظ نرم مانند: پی‌ناز: (پناز)، پی: (پا)، پلنگ: (پلنگ)، پان: (پهن)

## ز

مانند ز در فارسی تلفظ می شود. مثال: زهر: (زرد)، زبیر: (طلا)، زیف: (نقره)، زه‌لال: (روشن، آشکار)، زه‌خت: (سخت).

در الفبای کرمانجی این سه حروف ض، ظ، ذ با ز نوشته می شوند. مانند:

ظالم: (زالم)، ضبط: (زه‌بت)، ذلیل: (زه‌لیل)، ظلم: (زلم)

## ع

این حرف در کرمانجی وجود ندارد بنابراین از معادل آن ئ همزه استفاده می کنیم. مانند: عه‌لی: (ئه‌لی)، عباس: (ئه‌باس)، عرب: (ئه‌ره‌ب)

## غ

این حرف در کرمانجی وجود ندارد و به صورت حلقی تلفظ می‌شود. به خاطر نزدیکی مخرج دو حرف غ و خ ما از معادل آن خ استفاده می‌شود. مانند: باغ: (باخ)، تیغ: (تیخ)، غم: (خه‌م)، غمگین: (خه‌مگین)، غزال: (خه‌زال)

## س

مانند س در فارسی تلفظ می‌شود. نظیر: سار: (سرد)، سۆل: (کفش)، ده‌ست: (دست)، سی: (۳)، سیل: (ساج)

حروف ث و ص در کردی وجود ندارند از معادل آن س استفاده می‌شود. و صدای یکسانی دارند.

صد: (سه‌د)، صدبار: (سه‌د جار)، صابون: (سابون)، میثم: (میسه‌م)

## ل

مانند ل در فارسی تلفظ می‌شود. نظیر: له‌گ‌له‌گ: (لک لک)، لنگ: (پا)، لیثف: (لب)، لیخستن: (زدن)

## ب

مانند ب در فارسی تلفظ می‌شود. نظیر: با: (باد)، بیر: (یاد/چاه)، بروو: (ابرو)، برووسک: (رعد و برق)، بیده‌نگ: (ساکت)

## ش

مانند ش در فارسی تلفظ می‌شود. نظیر: شنان: (چوپان)، شه‌فتی: (سوخت)، شه‌کرن: (شانه‌زدن)، شیر: (شیر)، شف: (چوب)، شیف: (شام)

## تمرین الفبا

فارسی	کورمانجی
آتش، آب، آسمان	ئار، ئاف، ئاسمان
خوب، باران، بره	باش، باران، بهرخ
همسایه، این بار، جا	جینار، ئیجا، جه
چشم، چهار، ستاره	چاف، چار، چیک
دهان، در درمان	دهف، ده‌ری، ده‌رمان
آرزو، زرد، ابر	ئه‌رمان، زه‌ر، ئه‌ور
هیزم، غروب، مرد	ئیزنگ، ئیفار، می‌ر
پرواز کردن، برف، هفت	فرین، به‌رف، هه‌فت
دریاچه، گل، بزرگ	گۆل، گول، گر
هفته، دوست، گوش	هه‌فته، هه‌فال، گو‌ه
پا، دندان، تبر	لنگ، دران، بفر
امروز، خروس، در	ئیرۆ، دیک، ده‌ری
زن، پاک‌کن، روز	ژن، ژبیر، رۆژ
کبوتر، تخم‌مرغ، کلاه	که‌فۆک، هیک، کوم
نوزاد، لب، لشکر	لۆرک، لیف، له‌شکه‌ر
خانه، استاد، زمان	مال، مامۆسته، دم
نان، ناخن، صدا	نان، نینک، ده‌نگ
دین، اتوبوس، شور	ئۆل، ئۆتۆبوس، شۆر
پروانه، پر، کلمه	په‌رپه‌رۆک، په‌ر، په‌یف
کوتاه، قهوه‌ای، گردن	قول، قه‌هوه‌یی، قرتک
روز، تور/شبکه، شیر	رۆژ، تۆر، شیر
سیب، آهن، سرد	سیف، هه‌سن، سار
شب، شیرین، آسیاب	شه‌ف، شیرین، ئاش
حرف، تنبور، عمه	تیپ، ته‌مبوور، مه‌ت
اتو، گل، دو	ئوتی، گول، دو
دور، عمیق، گردو	دووور، کوور، گووز
این، آب، چشم	ئه‌ف، ئاف، چاف
سرزمین، دوغ، کبک	وار، ده‌و، که‌و
هدیه، خال، خانه	خه‌لات، خال، خانی
غم، غریب، یورتمه	غه‌م، غه‌ریو، یورغه
یک، مادر، یار	یه‌ک، داییک، یار
نقره، طلا، زرد	زیف، زبیر، زه‌ر
آسمان، او، راند	ئاسمان، ئه‌و، ئاژۆت
خواندن، خود، نمک	خوه‌ندن، خوه، خوئ

## جیناف (ضمیر)

اکنون می‌خواهیم بر روی دستور زبان کردی کرمانجی و موضوع ضمائر بحث کنیم. به واژگانی که در جمله به‌جای اسم قرار می‌گیرند و از تکرار آن جلوگیری می‌کنند ضمیر گفته می‌شود. در کردی کرمانجی جیناف همان ضمیر است. ضمائر به ده بخش اصلی تقسیم می‌شوند:

ضمائر شخصی	جینافین که‌سین
ضمائر اشاره	جینافین نیشانی
ضمائر پرسشی	جینافین پرسنی
شناسه‌های متصل	جینافین نوسکی
انعکاسی	جینافین لی‌فه‌گه‌ر
ضمائر دوسویه	جینافین به‌ر‌به‌ه‌فین
ضمائر ترکیبی	جینافین پنه‌فی
ضمائر ملکی	جینافین ینکی
ضمائر موصولی	جینافین گریکی
ضمائر مبهم	جینافین نه‌خویایی

اکنون بر روی دو مورد از ضمائر صحبت می‌کنیم.

۱- جینافین که‌سین ضمائر شخصی

۲- جینافین شانیدانی ضمائر اشاره

## جینافین که‌سین (ضمائر شخصی)

به‌جای اسامی انسان‌ها یا مکان‌ها می‌نشیند. ضمائر شخصی شامل دو بخش می‌باشد:

۱- خوه‌روو (ساده یا مستقیم یا غیر صرفی)

۲- ته‌واندی (غیر ساده یا غیرمستقیم یا صرفی)

برای درک هرچه بهتر این دو نوع ضمیر اجازه بدهید مثالی برای مقایسه با دستور زبان فارسی بزنیم که همگی تا حدودی بر دستور زبان فارسی آشنایی داریم.

ما در فارسی تماماً شش ضمیر شخصی داریم حال چرا در کردی دوازده ضمیر شخصی داریم و چرا و چگونه این دوازده ضمیر از هم تفکیک و یا دسته‌بندی می‌شوند؟! مثال را با دو جمله در زمان حال و آینده ادامه می‌دهیم.

مریم گفت

مریم می‌گوید

همان‌طور که می‌بینید اسم «مهریم» در هردو زمان حال و گذشته یک شکل دارد و تغییری در شکل ظاهری مهریم به وجود نیامده است، حال این مثال را در همین دو زمان به کردی بنویسیم چه اتفاقی خواهد افتاد!

مهریمه می‌گوت

مهریمه دبیره

بینید در جمله اول شکل ظاهری مهریم (مهریمه) تغییر پیدا کرده و کسره (ئ) به خودش گرفته است، در این حالت می‌گوییم که اسم صرف شده است یا تاییده شده است (این حالت در زبان فارسی وجود ندارد) به همین خاطر در کردی دو ضمیر مستقیم و صرفی برای بیان این تغییرات اسم را داریم.

در حالت اول که اسم تاییده یا صرف شده ضمائر صرفی را داریم و در حالت دوم که اسم هیچ تغییری پیدا نکرده و حالت ساده خود را دارد ضمائر ساده یا مستقیم را داریم.

البته در کردی اسامی به سه صورت تغییر شکل پیدا می‌کنند که در ادامه خواهیم گفت.

#### ضمائر شخصی ساده (مستقیم-غیر صرفی)

ئه‌و	ه‌وون	ئه‌م	ئه‌و	تو	ئه‌ز
ایشان	شما	ما	او	تو	من

#### ضمائر شخصی صرفی (غیرمستقیم)

وان	وه	مه	وی/وئی	ته	من
ایشان/مال ایشان	شما/مال شما	ما/مال ما	او/مال او (مذکر و مؤنث)	تو/مال تو	من/مال من

ضمائر شخصی ساده و صرفی هم در زمان گذشته و هم در زمان آینده بکار برده می‌شوند. در زمان گذشته ضمائر صرفی به‌عنوان فاعل (کننده کار) و ضمائر ساده به‌عنوان مفعول بکار برده می‌شوند.

من مهریم دیت (در اینجا «من» ضمیر صرفی و غیرمستقیم است که به‌عنوان فاعل یا کننده کار بکار برده شده است).

حال اگر بخواهیم بجای مهریم از ضمیر استفاده کنیم:

من ئه‌و دیت (در اینجا «ئه‌و» ضمیر ساده یا مستقیم است که به‌عنوان مفعول بکار برده شده است).

ته ره‌زا دیت

ته ئه‌و دیت

مثال:

من نامه نقیسی (من: ضمیر صرفی)

من ئه‌و دیت (ئه‌و: ضمیر ساده / من: ضمیر صرفی)

اما در زمان حال ضمائر صرفی به‌عنوان مفعول و ضمائر ساده به‌عنوان فاعل بکار برده می‌شوند.

ئەز وان دینیم (ئەز: ضمیر ساده / وان: ضمیر صرفی)

### ضمایر شخصی ساده در سه خشتی‌های نمونه

ئەز

در کنار شیب گاه تپه	له وەر یانی، له وەر یانی
صدا می‌زنم عزیز کجاست	بان ده که مه ده لال کانی
من دوباره بینمش	ئەز بوینم وی دیسانی

تو

تو در آنجایی و من در اینجا	تو ل وی یی، ئەز ل فرا
تو فتیله هستی، من چراغ	تو پیسووزی، ئەز سه چرا
اگر مرا می‌خواهی اینجا بیا	من دخوازی وەرە فرا

ئەو

دیدي چه پیش آمده	ته دی بوویه کاره ک چهره
او فردا از اینجا می‌رود	ئەو سوویندا ژە فر تەرە
بهار می‌آید، بگو برگردد	بهارئ تی، بیژ ڤه گەرە

ئەم

این چه درد عمیقی است	ڤاچ دەرده دەردي کاری
غم و غصه بر ما می‌بارد	قوسه وه سه مه دا باری
در شب تاریک مانده‌ایم	مانی ئەم له شه ڤی تاری

هوون

جنازه‌ام را بردارید	جه نازی من هوون هلینن
در میان اوبه بگردانید	ل ناف مالان بگهرینن
در کنار سیاه‌چادر یار بگذارید	ل بهر مالا وی داپینن

ئەو

دختران سبزه‌رو مگر تلخ هستند؟  
چشمانشان اشک‌بار و چهره‌شان دارای خال است  
ک قسمت مردان پیر هستند

که چکئی ئەسمەر مه‌گه تالین؟  
چاڤ وه هیستر روو وه خالین  
ئەو قسمة‌تی میری کالین

### جیناڤین که‌سینین ته‌واندی (ضمایر شخصی صرفی / غیرمستقیم)

من، ته، وی/وئی، مه، وه، وان

این ضمایر در جملات زیر نقش مضاف رو بر عهده دارند.

من: برادر من دانش‌آموز است	من: برایی «من» خوه‌نده‌کاره
تو: عمومی تو دانا است	ته: ئایی «ته» زانایه
اوی مذکر: دایی او پزشک است	وی: (نیر) خالی «وی» دوختوره
اوی مؤنث: خانه او بزرگ است	وئی: (می) خانیی «وئی» مه‌زنه
ما: معلم ما خوب است	مه: مامۆسته‌یا «مه» باشه
شما: دوستان شما زرنگ هستند	وه: هه‌فالین «وه» ژیرین
آن‌ها: خانه آن‌ها کوچک است	وان: مالا «وان» قچکه

### کاربرد ضمایر ساده

جیناڤین خوه‌روو ل پینج جه‌تین بکارئانین (کاربرد ضمایر ساده شامل پنج مورد می‌باشد):

### ۱- کرارا لیکه‌رین په‌پوهندی (فاعل فعل‌های ربطی)

افعال ربطی در جمله به‌واقع معنای «است/هست» را می‌رساند.

میناک (مثال):

من کرد هستم	ئەز کوردم
تو کرد هستی	تو کوردی
او کرد هست	ئەو کورده
ما کرد هستیم	ئەم کوردن/نی
شما کرد هستید	هه‌وون کوردن
آن‌ها کرد هستند	ئەونا کوردن

در مثال‌های بالا این‌ها افعال ربطی (to be) می‌باشند:

ئەز ئارتینم، ئەز گولین مه	م/مه (هستم)
تو روئناکی، تو زه‌رییی	ی/ایی (هستی)
ئەو خوه‌نده‌کاره، ئەو مامۆسته‌یه	ه/ایه (است)



ن/انه (هستیم)	نم خوهنده کارنی/ان، نم مامؤسته نی/انه
ن/انه (هستید)	هوون خوهنده کارن، هوون مامؤسته نه
ن/انه (هستند)	ئهو خوهنده کارن، ئهو مامؤسته نه

توجه داشته باشید که در کردی خراسان اول شخص جمع شناسه دارد و آوایی مابین «ی» و «ئی» دارد «ئی/ائنی»، ولی در کردی استاندارد این شناسه وجود ندارد و هر سه شخص جمع یک شناسه دارند «ن/انه».

بعد از حروف بی صدا	بعد از حروف صدادار
ئەز رندم	ئەز زانا مه
تو رندی	تو زانایی
ئهو رنده	ئهو زانایه
ئهم رندنی/ان	ئهم زانا نی/انه
هوون رندن	هوون زانا نه
ئهو/ئهوونا رندن	ئهو/ئهوونا زانا نه

افعال ربطی (to be): در جمله معنای «است» می دهد. بعد از صفت یا اسم قرار می گیرد و نقش فعل را ایفا می کند، لذا باید جدا از آن‌ها نوشته شود. بسته به آخرین حرف کلمه قبل از خود به دو صورت ظاهر می شود.

م/ای/ه/ان: در صورتی که آخرین کلمه اسم و صفت از حروف صدادار باشد.

مه/ایی/یه: در صورتی که آخرین کلمه اسم و صفت از حروف بی صدا باشد.

در اینجا آخرین حرف کلمه رند (زیبا) از حروف بی صداست یعنی د بنابراین برای صرف کردن از دسته از افعال گروه م، ی، ه، ن استفاده می کنیم. در مثال دوم آخرین حرف کلمه قبل از فعل یعنی کلمه دانا (زانا) از حروف صدادار است. لذا برای صرف کردن از افعال گروه دوم یعنی مه، یی، یه، نه استفاده می کنیم. در الفبای آرامی افعال ربطی به صفت یا اسم می چسبند.

## ۲- کرارا لیکه رین نه گه رگو هیز (فاعل فعل های لازم)

فعل لازم فعلی است که بدون مفعول می باشد و پیدا کردن مفعول در فارسی با حرف «را» امکان پذیر است. افعال زیر مفعول ندارند. ضمایر ساده ایفای نقش نموده است.

ئەز تیم، ئەز چووم

تو تیی، تو چوویی

ئهو تی، ئهو چوو

ئهم تین (ی)، ئهم چوون (ی)

هوون تین، هوون چوون

ئەو (نا) تین، ئەو (نا) چوون

### ۳- کرارا لیکەرین گەرگوهیزین دەما نها (فاعل فعل های متعدی زمان حال)

من نان می خورم	ئەز نین دخوم
تو نان می خوری	تو نین دخوی
او نان می خورد	ئەو نین دخوه
ما نان می خوریم	ئەم نین دخون (ی)
شما نان می خورید	هوون نین دخون
آن ها نان می خورند	ئەو نین دخون

### ۴- کرارا هه فۆکین دەما بی (فاعل جملات زمان آینده)

زمان آینده این گونه ساخته می شود که قبل از فعل نشانگر زمان آینده (ئ، یئ، وئ، دئ) می آید و خود فعل شناسه ب می گیرد. در اکثر مناطق خراسان زمان آینده از بین رفته است و کاربردی ندارد.

ئەز دئ بکم
تو دئ بیژی
ئەو دئ هه ره
ئەم دئ باژۆن
هوون دئ بکررن
ئەو دئ بستینن

### ۵- بهرکارا لیکەرین گەرگوهیزین دەما بۆری (مفعول افعال متعدی در زمان گذشته)

در اینجا شناسه ای که فعل گرفته است به جای مطابقت با فاعل، با مفعول مطابقت می کند و مفعول از ضمائر ساده می باشد. به شناسه های فعل بر اساس فاعل بنگرید:

ئەز: م
ئەو: ه
ئەم: ن
هوون: ن
ئەو: ن

نکته: پس در زمان گذشته و با افعال متعدی آوردن ضمائر صرفی در جای مفعول کاملاً اشتباه است. به چند نمونه اشتباه دقت کنید:

مامۆستهیی من دیت (غله‌ت).

مامۆستهیی ئەز دیتیم (راست): در این مثال جمله از یک قاعده تبعیت می‌کند. زمان فعل گذشته است، لذا مفعول بایست غیر صرفی باشد؛ بنابراین ضمیر اول‌شخص از خانواده ضمائر غیر صرفی «ئەز» صحیح می‌باشد. حال فعل بر اساس مفعول صرف می‌شود و شناسه اول‌شخص مفرد «م» می‌گیرد. درحالی‌که خود فاعل به‌صورت صرفی می‌آید و نشانه صرفی (در اینجا «ئ») می‌گیرد.

رۆناکی ته دیت (غله‌ت)،

رۆناکی تو دیتی (راست): در این مثال نیز زمان فعل گذشته است، لذا مفعول بایست غیر صرفی باشد؛ بنابراین ضمیر دوم‌شخص از خانواده ضمائر غیر صرفی «تو» صحیح می‌باشد. حال فعل بر اساس مفعول صرف می‌شود، شناسه دوم‌شخص مفرد «ی» می‌گیرد. درحالی‌که خود فاعل به‌صورت صرفی می‌آید، یعنی نشانه صرفی «ئ» می‌گیرد.

مامۆستهیی ئەز دیم/دیتیم	ماموستا من را دید
مامۆستهیی تو دیتی	ماموستا تو را دید
مامۆستهیی ئەو دیت	ماموستا او را دید
مامۆستهیی ئەم دیتن (ئ)	ماموستا ما را دید
مامۆستهیی هه‌وون دیتن	ماموستا شما را دید
مامۆستهیی ئەو (نا) دیتن	ماموستا آن‌ها را دید

### جیناڤین نه‌واندی (ضمائر شخصی صرفی)

من (من)، ته (تو)، وی (ئیر/اوئ/مئ/او)، مه (ما)، وه (شما)، وان (آن‌ها)

### کاربرد ضمائر صرفی

ضمائر صرفی در موارد زیر کاربرد دارد:

#### ۱- کرارا لیکه‌رین گه‌رگوه‌یزین ده‌ما بۆری (فاعل افعال لازم در زمان گذشته)

من گۆت، ته گۆت، وی اوئ گۆت، مه گۆت، وه گۆت، وان گۆت

#### ۲- به‌رکارا لیکه‌رین گه‌رگوه‌یزین ده‌ما نها (مفعول افعال متعدی در زمان حال)

کیان من دینه

کیان ته دینه

کیان وی/اوئ دینه

کیان مه دینه

کیان وه دینه

**۳- باشگرا (زیده ک) نافدیران (وابسته های اسمی)**

جاهایی که ضمیر یک ساختار اضافی (مضاف و مضاف الیه) می سازد، از ضمائر نوع صرفی استفاده می کنیم. مثال:

باقی من

کتیبا وه

پدر من معلم است	باقی من ماموسته یه
دایی تو پزشک است	خالگی ته دختوره
عموی او هنرمند است	نایی وی /وئی هونه رمنده
کار ما خوب است	کاری مه باشه
دوست او نقاش است	هه قالگی وه نه قاشن
او خواهر آنها است	ئه ف خویشکا وانه

**۴- پشتی داچه گی (بعد از حرف اضافه)**

برای او هدیه ای آوردم	من ژ وی را خه لاته ک ثانی
همراه تو می آیم	و (ب) ته را تیم

**نمونه سه خستی از ضمائر صرفی**

من

به دشت وسیعی آمده ام	وه رکه تمه چولا فه ره
من سوختم و چون گیاه خشکیده شدم	ئه ز شه وتیم، بوومه مه ره
نه من خیر خوشی دیدم و نه تو بهره و نصیبی	نه من خیر دی، نه ته بهره

ته

عشق آباد سرسبز است	ئه شقه واتگی وه گیایه
ما بین من و تو کوه قرار دارد	ئارا من و ته چیا یه
تو عمر مرا به باد دادی	ته ئومری من وه بی دایه

وی

ای یاری که پیراهن سفید یقه دار پوشیده ای	کراس قه میس، یاخه سه را
من جانم را فدای او نموده ام	من جانی خوه دایه سه را

سا وی بوومه دهروده را

برای او آواره و دربه در شده ام

وی

فاچ بهژن و فاچ باله

این چه قامتی است

کریه سه ری مه خیاله

همیشه در خیال ماست

تو غه تا مه بی وی تاله

روزگار ما بدون او تلخ است

مه

وه لاتی مه نه رزروومه

سرزمین ما ارزروم است

و چیا و گول و توومه

گل و گیاه و سبزه دارد

هفت سالن نه ز ری جی بوومه

هفت سال است که من از آن دور افتاده ام

وه

هاتمه مالا وه وه شه فه

در شب به خانه شما آمدم

قیند بکنی فه کی هه فه

تا در دهان یکدیگر قند بگذاریم

یار وه نه نی راناکه فه

یار تنها نمی خوابد

وان

نه ز کانیا دیزا کاری

من مانند چشمه کنار آبراه

که چک تینه سالی جاری

دخترکان سالی یک بار آنجا می آیند

ژ وان تیه بینا یاره

که از آن‌ها بوی یار می آید

### جیناقین نیشانی (ضمایر اشاره‌ای)

دو ضمیر اشاره داریم، یکی برای اشخاص و چیزهای اشاره به دور و یکی برای اشخاص و چیزهای اشاره به نزدیک.

نه ف این: برای اشخاص و اشیاء نزدیک

نه و آن: برای اشخاص و اشیاء دور

اگر این ضمایر مفرد باشند، فعل «ه» را می‌گیرند.

میناک (مثال):

این می گوید	ئهف دبیژه
آن می گوید	ئهو دبیژه
این کتاب است	ئهف پرتووکه
آن کتاب است	ئهو پرتووکه

اگر این ضمائر جمع باشند، فعل «ن» می گیرند.

میناک (مثال)

این ها میگویند	ئهف دبیژن
آن ها میگویند	ئهو دبیژن
این ها کتاب هستند	ئهف پرتووکن
آن ها کتاب هستند	ئهو پرتووکن

این دو ضمیر (ئهف، ئهو)، ضمائر ساده هستند و زمانی که صرف می شوند به این فرم درمی آیند:

دوور: دور	نیزیکی: نزدیک	خوهوو: ساده
ئهو: آن، آن ها	ئهف: این، این ها	تهواندی: صرفی
وی مذکر/وی مؤنث/وان جمع	فی مذکر/فی مؤنث/فان جمع	میناک:

این (مذکر) شعری خواند	فی هه لبه سته ک خوه ند
این (مؤنث) شعری خواند	فی هه لبه سته ک خوه ند
این ها شعری خواندند	فان هه لبه سته ک خوه ند
آن (مذکر) شعری خواند	وی هه لبه سته ک خوه ند
آن (مؤنث) شعری خواند	وی هه لبه سته ک خوه ند
آن ها شعری خواندند	وان هه لبه سته ک خوه ند

### سه خستی های نمونه حاوی ضمائر اشاره دور و نزدیک

ئهو

ای کلاه نمدی	کوم کولاقو، کوم کولاقو
در برابر آب شدم	له هه مبه ری ته بووم ئاقو
این چه باغی است که تو در بین آن هستی	ئهو چ باغه تو له ئاقو

ئهف

آن هنوز غنچه ای بر روی درخت است	ئهف خونچه یه هین ل داری
صبر کن تا یک بار بخندد	بسه با بکه نه جاری
آن هنگام بهار را می بینی	هینگا دینی بهاری

## فی

جهوانی چوو، نکا کالم  
 له جهم یاری نکا تالم  
 له فی دهردا نه ز دنالم  
 جوانی رفت و اکنون پیر هستم  
 برای یار اینک تلخ هستم  
 با این درد حالا نالان هستم

## فا

هه سپی ره شی هیره هیره  
 و دهست دوشمهن نهو هیسیره  
 فا دهردا ناوه ژ بیره  
 اسب سیاه شیهه می کشد  
 او در دست دشمن اسیر است  
 این درد فراموش نمی شود

## وی

له فی ئالی، له وی ئالی  
 بان ده کمه، ناوی هالی  
 دهردی دلان بکم خالی  
 این طرف و آن طرف  
 صدا می زنم، نمی شنوی  
 تا درد دلها را بازگو کنم

## وی

بوومه بهرفی ئاله داغی  
 چهره مهست وووم ل وی چاغی  
 ئیسال که تمه ژ ده ماغی  
 مثل برف قله آلا داغ شده ام  
 آن زمان مست و چالاک بودم  
 امسال از سرزندگی و شادابی افتادم

## وان

ئه زی تیمه ژ وان دهران  
 بهرخی باقی بوونه بهران  
 رامیسانی بیک و قهران  
 من از آن سمتها می آیم  
 بره های پدر تبدیل به قوچ شده اند  
 بوسه ای به بهای یک قران

## فان

فان چیانا چییی مه نینن  
 مرخی چییی مه هیشینن  
 این کوهها مال ما نیستند  
 سروهای کوههای ما سبزند

که و له چییی مه ده خونین

کبک‌ها در کوه‌های ما می‌خوانند

### ناسینا کهس و تستان (نشان دادن اشخاص و اشیا)

این / (آن) او کی است؟	ئه‌ف / ئه‌و کییه؟
این آرتین است	ئه‌ف ئارتینه
این روناک است	ئه‌ف روئناکه
او کی است؟	ئه‌و کییه؟
او ماری است	ئه‌و مارییه
این / آن چی است؟	ئه‌ف / ئه‌و چیه؟
این کامپیوتر است	ئه‌ف کو مپیوتوره
آن جانونی است	ئه‌و ناندانه
اسم من زری نیست. اسم من پری است	ناقی من زری نینه (ناقی من نه زرییه). ناقی من پرییه
احمد اهل شیروان نیست	ئه‌همه د ژ شیروانی نینه (نه ژ شیروانییه)
او اهل قوچان است	ئه‌و ژ قوچانییه
من اهل بجنورد نیستم	ئه‌ز ژ بژنوردی نیستم (نه ژ بژنوردی مه)
من اهل کلات هستم	ئه‌ز ژ که‌لاتی مه
آیا تو از (اهل) چناران هستی؟	تو ژ چنارانیی؟
نه من از (اهل) چناران نیستم. من از (اهل) درگز هستم	نا، ئه‌ز ژ چنارانی نیستم. (نه ژ چنارانی مه). ئه‌ز ژ دهره‌گه‌زی مه
تو اهل شیروان هستی؟ بله من اهل شیروان هستم	تو ژ شیروانیی؟ به‌لی، ئه‌ز ژ شیروانی مه
تو از (اهل) مشهد هستی؟	تو ژ مه‌شه‌دی؟ (نا/قوچانی)
نه من از (اهل) مشهد نیستم. من از (اهل) قوچان هستم	نا، ئه‌ز ژ مه‌شه‌دی نیستم. (نه ژ مه‌شه‌دی مه) ئه‌ز ژ قوچانی مه

۱- ناقی ته مرجانه؟ (ئه‌ری)

ئه‌ری (به‌لی)، ناقی من مرجانه

۲- تو خوه‌نده‌کاری؟ (نا / مامؤسته)

نا، ئه‌ز خوه‌نده‌کار نیستم (نه خوه‌نده‌کارم)، ئه‌ز مامؤسته مه

۳- ئه‌و قه‌له‌مه؟ (نا / قه‌له‌متراش)

نا، ئه‌و نه قه‌له‌من، ئه‌و قه‌له‌متراشن

۴- ئه‌و ژ بژنوردییه؟ (ئه‌ری)



ئەرى (بەلە)، ئەو ژ بژنورتييه

۵- تو رندی؟ (ئەرى)

ئەرى (بەلە)، ئەز رندم

پروين: روزبه خیر! نام من پروين است نام تو چیه؟  
گوله: نام من گوله است  
پروين: گوله تو از کجا هستی (اهل کجائی؟)  
گوله: من از تیتکانلو هستم و تو؟  
پروين: من از نامانلو هستم  
گوله: از آشنایی با تو خوشحال شدم  
پروين: من هم

پهروين: روژباش! نافی من پهروينه. نافی ته چیه؟  
گولې: نافی من گولېيه  
پهروين: گولې تو ژ کو دهري یی؟  
گولې: ئەز ژ تیتکانلویي مه لی تو؟  
پهروين: ئەز ژ نامانلویيمه  
گولې: ئەز ژ ناسينا ته کیف خواهش بووم  
پهروين: ئەز ژ یی

نام تو چیه؟  
نام من آرش است  
تو چه کسی هستی؟  
من آرمان هستم  
تو اهل کجائی؟  
من اهل بجنورد هستم  
پروين اهل کجاست؟  
پروين اهل لایين است  
آن چیست؟  
آن مدرسه است  
این چیه؟  
این مداد است؟  
شما اهل کجا هستید؟  
ما اهل قوچان هستیم  
او کیست؟  
او احمد است  
این کیست؟  
این گلبن است  
آن‌ها چیستند؟  
آن‌ها کتاب هستند

۱- نافی ته چیه؟  
نافی من ناره شه  
۲- تو کی یی؟  
ئەز ئارمانم  
۳- تو ژ کو دهري یی؟  
ئەز ژ بژنوردي مه  
۴- پهروين ژ کو دهري یی؟  
پهروين ژ لاهينيه  
۵- ئەو چیه؟  
ئەو دبستانه  
۶- ئەف چیه؟  
ئەف قهله مه  
۷- هوون ژ کو دهري نه؟  
ئەم ژ قوچانی نه  
۸- ئەو کییه؟  
ئەو ئەهمه ده  
۹- ئەف کییه؟  
ئەف گولبينه  
۱۰- ئەو چ نه؟  
ئەو کتابن

## جینافین پرسبی (ضمایر پرسبی)

جینافین پرسبیی ئه فن:

کی، کی، چ، کیژان، چه ند، کو، کا، چما، چه ره (چما)، کهنگی (کینگا)، چقهس / اچقاس، چه ر  
ضمایر پرسبی: کی / چه کسی، چه / چه چیزی / کجا / چند / کجا، چرا، چطور، چگونه، چه وقت، چه اندازه، چطور  
این ضمایر، از اسم و ضمایر دیگر می پرسند.

کی / کی: (کی / چه کسی)

این ضمایر اسامی انسان ها را می پرسند. این نوع ضمیر خنثی است یعنی برای مذکر و مؤنث یکسان بکار برده می شود

## کی

ضمیر کی در زمان حال و آینده برای فاعل، در زمان گذشته برای مفعول بکار برده می شود. در زمان گذشته اگر فعل جمله لازم باشد برای سؤال از فاعل باز از کی استفاده می شود.

میناک

از فاعل می پرسد	کی نانی (نین / نین) دخوه؟
از فاعل می پرسد	کی دئ هره دبستان؟
از مفعول می پرسد	مه کی دیت؟
از مفعول می پرسد	وان کی ناس کر؟
از فاعل می پرسد	کی هاتبوو مالا وه؟

برای اسم و ضمایر ساده. در جمله هایی که دسته ضمایر ساده قرار دارند کی بجای آن ها می نشیند

میناک:

چه کسی آمد؟ من آمدم / آرتین آمد	کی هات؟ ئه ز هاتم / نارتین هات
چه کسی افتاد؟ او افتاد / زیلان افتاد	کی کهت؟ ئه و کهت / زیلان کهت
چه کسی می گوید؟ تو می گویی / زیلان می گوید	کی دبیزه؟ تو دبیزه / زیلان دبیزه

همان طور که می بینید این ضمیر در زمان حال و جایگزین ضمیر ساده (ئه ز، تو، ئه و، ئه م، هوون، ئه وان) شده است؛ بنابراین به عنوان نمونه فرم کی هات اشتباه می باشد.

برای اسم و ضمایر صرفی: این نوع پرسش جایگزین ضمایر صرفی می شوند.

کی

که چکا کوردان وه شیرینی  
دختر کردها، با طنازی  
هه فساری ده فان ده کشینی  
افسار شترها را می کشد  
کی خهمل و ره فشی ده وینی؟  
چه کسی آرایش و زینت را می بیند؟

### کی

ضمیر کی در زمان حال و آینده برای مفعول، در زمان گذشته نیز اگر فعل جمله متعدی باشد برای فاعل بکار برده می شود.

میناک:

دیلان کی دینه؟  
کی ماموسته دیت؟  
ئه و دی ژ کی را قالا مژاری بکن؟  
از مفعول می پرسد  
از فاعل می پرسد  
از مفعول می پرسد

میناک:

کی ثانی؟ من ثانی / زیلانی ثانی  
کی خوار؟ وی خوار / گولین خوار  
کی گوت؟ ته گوت / نارژینی گوت  
چه کسی آورد؟ من آوردم / زیلان آورد  
چه کسی خورد؟ او خورد / گله خورد  
چه کسی گفت؟ تو گفتی / آرژین گفت

در اینجا نیز ضمیر پرستی در زمان گذشته و جایگزین ضمیر صرفی (من، ته، وی، می، وه، وان) شده است. به عنوان نمونه فرم کی گوت اشتباه می باشد.

این دو نوع ضمیر در بعضی جاها نقش مفعول و در جاهایی نقش فاعل می گیرد.

کی کی دینه: کی: فاعل کی: مفعول

کی کی دیت: کی: فاعل کی: مفعول

### کی

له سه ر ثافی دلبره را من  
ئه جه و هاتیه نه زه را من  
کی دایه ته خه وه را من  
دلبر من کنار آب  
در نظرم شگفت انگیز ظاهر شده است  
چه کسی خبر تو را به من داده است

### چ (چه / چه چیزی)

پرسا تشنان دکه (از شیءها (اشیاء، حیوانات) را می پرسد)؛ و جایگزین آن ها می شود. ضمیری ختنی است، به عبارتی برای مذکر و مؤنث کاربرد یکسان دارد.

میناک:

چ فری؟ چووچک فری  
 ته چ خوهند؟ من روژنامه خوهند  
 وئ چ کر؟ وئ دهری فه کر  
 نقش چ به عنوان صفت پرسشی در سه خستی:

چه چیزی پرید؟ گنجشک پرید  
 تو چه خواندی؟ من روزنامه خواندم  
 او چه کار کرد؟ او در را باز کرد

### چ

وهرکه تمه جووتی نالان  
 که چک تهرنه ئافی چالان  
 دلئ مه چووچ خیالان  
 به بلندای جفت دره‌ها درآمدم  
 دختران به سمت چاه آب می‌روند  
 تا چه خیال‌هایی که دل من نرفت

### چهند (چند)

زمانی که از تعداد چیزها می‌پرسیم از کلمه‌ی چهند استفاده می‌کنیم.  
 کلمه‌ی چهند بعضی وقت‌ها مستقیماً به منظور پرسش از اسامی ارقام استفاده می‌شود و مانند ضمیر پرسشی جای آن‌ها را می‌گیرد.  
 میناک:

وان دو (دودو) خوارن، یه ک تهرکاند  
 وان چهند خوارن، چهند تهرکاندن؟  
 اگر کلمه‌ی چهند قبل از اسم بیاید، از خصوصیات آن اسامی می‌پرسد.

میناک:

هه شت قه له م ل سهر ده فته ری نه  
 چهند قه له م ل سهر ده فته ری نه؟  
 کلمه‌ی چهند (گاهی) در معنای هه‌ک (بعضی) نیز استفاده می‌شود.

آن وقت چهند برای پرسش نیست، بلکه برای معلوم کردن تعداد است.

میناک:

چهند هه فال ل ورن  
 چهند کووچی دهه ولیی دا نه  
 چهند تا دوست آنجا هستند  
 چهند تا سگ در حیاط هستند  
 زمانی که بخواهیم ساعت را بپرسیم ما به کمک کلمه‌ی چهند می‌پرسیم.

میناک:

سائت چهنده؟  
 سائت دهه  
 ساعت چند است؟  
 ساعت ده است

چهند

ماهی که در آید، چندم ماه است	هیفتی راوه، هیفا چه‌نده
اطراف ماه را حلقه احاطه کرده است	دورا هیفتی هه‌لقه‌به‌نده
لب شیرین‌زبان شیرین است	لیف‌شرینا زمان‌قه‌نده

### کیژان (کدام)

پرسش کیژان در زمان حال و آینده برای فاعل، در زمان گذشته برای مفعول و باز در زمان گذشته چنانچه فعل لازم باشد برای فاعل بکار برده می‌شود.

میناک؛

زمان حال کیژان کار دکه؟

زمان آینده کیژان دی‌ده‌رسی بیژه؟

زمان گذشته کیژان هات مالا وه؟

این نوع ضمیری متغیر است ممکن است با توجه به جمله و مقدار و جنسیت وضعیتش تغییر می‌کند (اصطلاحاً صرف می‌شود و شناسه‌های صرفی می‌گیرد).

مثال:

کیژانی گوت

زیلانی گوت

کدام یک گفت: مؤنث و مفرد، حرف ی، شناسه صرفی مؤنث است.

کیژانی گوت

ئه‌همه‌دی گوت

کدام یک گفت: مذکر و مفرد، حرف ی شناسه صرفی مذکر است.

کیژانان گوت

وان گوت

کدام‌ها گفتند: جمع، حرف ان نشانه صرفی جمع می‌باشد

صفت پرسشی کیژان:

کدامتان دل به درد است

کیژان ژه وه دل وه ژانه؟

آنکه دل من را برد کدام است؟

یا دلجی من بر کیژانه؟

دختران کرد، بسیار گرامی‌اند

که‌چین کوردان، پر هیژانه

**کو (کجا)**

این ضمیر همراه حرف اضافه پیشین و پسین و گاهی با کلمه دهر استفاده می‌شود و از نام و مکان‌ها سؤال می‌کند.

آن‌ها کجا هستند؟	ئه ول کویه؟
آن‌ها در کجا هستند؟	ئه ول کو دهرئ نه؟
من به کدام سمت می‌روم؟	ئه ز بهر ب کو فا ته‌رم؟
موش‌ها در کجا قرار دارند؟	مشک د کو دا نه؟
ما از کجا می‌آمدیم؟	ئه م ژ کو دهاتن؟

تو کجایی؟ در تله	تو له کویی؟ له ناف تهلئ
من کجایم؟ در میان بلاها	ئه ز له کو مه؟ له ناف بهلئ
چه آتش و بلایی بود به روستا افتاد	چ ئار بوو که ته ناف که‌لئ!

**سایر ضمایر پرسشی**

کا، چما، چهره (چما)، که‌نگی (کینگا)، چقه‌س/چقاس، چهر.

این چی است (این چیست)؟	ئه ف چیه؟
این دفتر است (مفرد)	ئه ف ده‌فته‌ره (یه کژمار)
این‌ها چه/چی هستند؟	ئه ف (نا) چ نه؟
این‌ها پاک‌کن هستند	ئه ف (نا) ژئیرن (پرژمار)
آن چه/چی است؟	ئه و چیه؟
آن مداد است (مفرد)	ئه و قه‌له‌مه (یه کژمار)
آن‌ها چه/چی هستند؟	ئه و (نا) چ نه؟
آن‌ها کتاب‌ها هستند (جمع)	ئه و (نا) کتاب نه (پرژمار)
این پنجره است	ئه ف په‌نجره‌یه
آن صندلی است	ئه و کورسیه
تو کی هستی؟	تو کییی؟
من بهار هستم	ئه ز بهارم
او کیست؟	ئه و کییه؟
او زیلان است	ئه و زیلان
آن‌ها کی هستند؟	ئه و (نا) کی نه؟
آن‌ها آزاد و دیلان هستند	ئه و (نا) نازاد و دیلان
شیلان کجاست؟	شیلان ل کو دهرئیه؟
شیلان در منزل است	شیلان ل مالئیه
چه چیزهایی روی دفتر هستند؟	چ ل سهر ده‌فته‌رئ نه؟
مدادها روی دفتر هستند	قه‌له‌م ل سهر ده‌فته‌رئ نه
چه کسی کنار پنجره است؟	کی ل بهر په‌نجره‌یه‌یییه؟

آزاد کنار پنجره است	نازاد ل په نجره ریښه
چه چیزی زیر میز است؟	چ د بن ماسه یی دایه؟
گره زیر میز است	پسیک د بن ماسه یی دایه
دبستان در کجاست؟	دبستان ل کو در ریښه؟
دبستان در کنار مغازه است	دبستان ل هم مبر دووکانیښه

### تهوانگ (صرف کردن، خم شدن، دوتا کردن)

در کردی کرمانجی گاه‌ها اسم‌ها در زمان صحبت کردن دچار تغییراتی می‌شوند که به این تغییرات حالت صرفی (تهوانگ) می‌گویند. اسامی که صرف می‌شوند یا شناسه‌هایی را می‌گیرد و یا برخی صداها را تغییر می‌کند. صرف کردن در معنای کلی با هدف نشان دادن زمان، شخص، جنسیت و وضعیت، تغییر فرم و واژه‌ها می‌باشد. در کرمانجی نقش و جایگاه صرف شدن بسیار مهم می‌باشد. دلیل آن نیز این است که در افعال متعددی فاعل و مفعول را به کمک صرف و حالت صرفی از هم تفکیک می‌کنیم. همچنین، شمار (تعداد) اسم را نیز مشخص می‌نماییم. مبحث صرف ساختوازی از مهم‌ترین ویژگی‌های گویش کردی کرمانجی است که در آن اسامی بسته به جنس دستوری، نکره یا معرفه بودن، شخص یا شمار در جایگاه‌های خاصی نشانگرهای خاصی می‌گیرد. لازم به ذکر است مبحث صرف ساختوازی با نحوی متفاوت است. صرف ساختوازی مربوط به اسامی است درحالی‌که صرف نحوی مربوط به فعل است. در ابتدا شناسه‌های صرفی را می‌شناسیم و سپس مواقعی را که در جمله حالت صرفی رخ می‌دهد در قالب مثال نشان می‌دهیم.

صرف شدن یا تابیده شدن اسم به سه صورت در جمله اتفاق می‌افتد:

۱- در نقش مفعول در زمان حال و آینده. ۲- در نقش فاعل در زمان گذشته. ۳- هرگاه اسم قبل یا بعد یا بین دو حرف اضافه بیاید. همان‌طور که باز در بخش توضیح ضمائر اشاره کردیم ضمائر صرفی به‌عنوان فاعل در زمان گذشته کاربرد دارند و به‌عنوان مفعول در زمان حال و آینده. حال این را هم اضافه کنیم اگر قرار باشد در جمله‌ای حرف اضافه بکار برده شود ضمیر قبل یا بعد یا در میان حرف اضافه صرفی است!

حروف اضافه در کردی (ژ، ب، د، ل، را، دا، قا، ...).

مثال:

ته من را دیدی	ته ته ز دیتیم
من تو را می‌بینم	ته ز ته دینیم
برای شما گل کادو می‌آورم	ژ وه را گولان خه لات دکم

در اینجا «ته» ضمیر صرفی در جمله اول فاعل و در جمله دوم مفعول و در جمله سوم با حروف اضافه بکار رفته‌اند، اسم هم مطابق همین قوانین در جمله نشانه صرفی را به خودش می‌گیرد که بسته به جنس کلمه و تعداد این نشانه متغیر است، نشانه مذکر «ی» نشانه مؤنث «ئ» و نشانه جمع «ان».

توجه داشته باشید که در کردی دو مصوت پشت سر هم نوشته نمی‌شوند و اگر اسمی به یک مصوت ختم شد و آن اسم در دستگاه اضافه بگیرد و چون خود اضافه یک مصوت است از حروف میانجی استفاده می‌شود، حروف میانجی پرکاربرد در کردی سه حرف (و، ه، ی) هستند.

مثال: زه‌هرا+ئ زه‌هرايئ

نکته: به تابیده شدن یا صرف شدن اسم مفعولی شدن هم می‌گویند.

حالا با یک مثال ساده مفهوم تابیده شدن یا صرف شدن یا مفعولی شدن اسم را توضیح می‌دهیم:

در فارسی اسم بدون تغییر است و تنها زمانی که مضاف می‌گیرد یا ملکی می‌شود کسره به خودش می‌گیرد، اما در کردی اسم به سه حالت تغییر پیدا می‌کند.

مثال:

ئه و پرتووکە ئه و پرتووکی

ئارتین پرتووکی دخوینه ئارتین کتاب می‌خواند

ئارتین پرتووکا دیروکی دخوینه ئارتین کتاب تاریخ می‌خواند

همان‌طور که می‌بینید پرتووک در حالت‌های ساده و صرفی و ملکی شکل خاص خودش را دارد و اضافه مخصوص به خودش را گرفته است، اما این تغییر شکل در فارسی مشهود نیست و فقط زمانی که کتاب اضافه گرفته از کسره میانجی استفاده شده است. فعلاً با حالت ملکی کاری نداریم و بحث را با صرف اسم ادامه می‌دهیم.

شناسه‌های صرفی برای اسامی مجهول و معلوم:

قبل از معرفی شناسه‌های صرفی برای اسامی مجهول (این شناسه‌ها وقتی به اسم می‌چسبند آن را نکره می‌کنند)؛ و معلوم ابتدا بدانیم اسم معرفه و اسم نکره چیست. اسمی که برای ما قابل شناخت باشد اسم معرفه می‌نامند؛ و بسته به موقعیت نشانه‌های (ا، ئ، ین) به خود می‌گیرند. اسامی که برای ما شناخته شده نیست تحت عنوان اسامی نکره نامیده می‌شوند. اسامی معرفه معمولاً با ئه ک تبدیل به نکره می‌شوند.

### حالت ساده (غیر صرفی) در فرم معلوم

در این حالت اسم هیچ شناسه مفرد یا جمع نمی‌گیرد که به اسم بچسبند. جمع یا مفرد بودن آن‌ها از مفرد بودن فعل مشخص می‌شود.

هه‌سپ هات: اسب آمد

هه‌سپ هاتن: اسب‌ها آمدند

### حالت ساده (غیر صرفی) در فرم مجهول

این حالت با دو شناسه هک و ئن ساخته می‌شود. در این وضعیت اسامی حکم نکره را دارند.

هه‌سپه‌ک هات: یک اسب آمد

هه‌سپین هاتن: اسب‌هایی/بعضی اسب‌ها آمدند



## حالت صرفی در فرم معلوم

در حالت صرفی معلوم سه شناسه صرفی وجود دارد که در جایگاه خود و حالت‌های صرفی به اسم می‌چسبند. به‌قرار زیر:

### ۱- مفرد و مؤنث: ئ

با کمک این شناسه اسم و ضمایر مؤنث نشان داده می‌شوند. اسامی مؤنثی که در جایگاه صرف شدن قرار بگیرند به انتهای آن حرف (ئ) می‌چسبند. در اینجا سه کلمه موردنظر ما روژین، شیلان و روناک می‌باشند که در جایگاه فاعل قرار گرفته‌اند؛ زمان گذشته است و فاعل به‌صورت صرفی و مفعول به‌صورت ساده می‌آید. این کلمات برای ما شناخته‌شده و معرفی هستند. در جمله آخر در زمان حال و فعل متعدی این بار مفعول (روژین) به‌صورت صرفی و فاعل غیر صرفی (ساده) می‌آید.

مثال:

روژینی کتاب خواهند. (روژین+ئ)

شیلانی نامه نفیساند. (شیلان+ئ)

روناک گول ئاف دا. (روناک+ئ)

ئەز روژینی دینیم. (روژین+ئ)

نکته: صرف شدن فاعل یا مفعول در زمان‌های حال یا گذشته از یک قانون تبعیت می‌کند که باید همواره در خاطر باشد و از حفظ شود. در جزوه با مثال‌های متعدد توضیح داده شده است.

دارا گویزی، دارا گویدو، درخت گردو، درخت گردو

من از مادر سخن می‌گویم و تو از دختر

شاید به میان آغوشش برویم

دارا گویزی، دارا گویدو، درخت گردو

ئەز ژە دئ دیم (دییژم)، تو ژە قیزی

گاشە هەنی ئاف هەمیزی

### ۲- مفرد و مذکر: ی

با کمک این شناسه اسم و ضمایر مذکر نشان داده می‌شوند. اسامی مذکری که در جایگاه صرف شدن قرار بگیرند به انتهای آن حرف (ی) می‌چسبند. در اینجا سه کلمه موردنظر نان، آرژین و آرتین می‌باشد.

مثال:

ئەز نانی دخوم (نان+ی)

ئارژینی دەفتەری خوە فە کر (ئارژین+ی)

ئارتینی ئەو بره مالی. (ئارتین+ی)

اسامی مذکر به صورتی دیگر نیز می‌توانند صرف شوند. بدین ترتیب که هرگاه در پایان یا حرف تکیه‌ی اسمی مذکر یکی از مصوت‌های «ا» و «ه» وجود داشته باشد؛ آن مصوت به مصوت «ئ» تغییر پیدا می‌کند.

مثال:

په‌ز په‌ز

دراف درایف

نکته: در کردی خراسان هرگاه اسم مذکری به «ن» ختم شد مصوت «ا، ه» قبل از «ن» به «ی» تبدیل می‌شود که این در کردی استاندارد به چشم نمی‌خورد.

مثال:

نان نین

خان خین

خزان خزین

این شیوه از صرف در خراسان بسیار رایج است. این نکته هم وجود دارد که صرف اسامی مذکر اجباری ندارد. به‌عنوان نمونه در فوق کلمات نان، آرژین و آرتین به حالت ساده و بدون تغییر نیز می‌توانند بیایند. در کل فرمی که در انتهای کلمه مذکر حرف «ی» بیاید فرم رایج و باقاعده می‌باشد و بهتر است این قاعده رعایت شود.

نکته دیگر اینکه در کردی خراسان در قسمت مفعولی کردن بیشتر اوقات واژگان مذکر اضافه مؤنث «ئ» می‌گیرند و در حالت مالکیت نیز اسامی مؤنث اضافه مذکر «ئ» می‌گیرند. البته این در همه نقاط خراسان به چشم نمی‌خورد ولی نیاز دارد که آموزش در این خصوص بیشتر شود تا این آسیب رایج نشود.

شالی سهرئ ته و کوین کهم	با شال سرت چادری برپا کنم
تو گول بوی، ئەز ته بین کهم	تو گل شوی و من تو را بو کنم
و په‌نیر وی، و ناف نین کهم	پنیر شوی و تو را لای نان بگذارم

### ۳- جمع: ان

اسامی جمع که در جایگاه صرف شدن قرار بگیرند به انتهای آن حرف (ان) می‌چسبند. در اینجا دو کلمه موردنظر کودکان و دنگیژها می‌باشد. فعل متعدی و زمان گذشته است لذا فاعل به صورت صرفی می‌آید:

خزانان دانه کنجین خوه (خزان + ان)

ده‌نگیژان ستران گوتن (ده‌نگیژ + ان)

ده‌نگیژان سترانان گوتن (فرم غلط)

در زمان حال و با فعل متعدی این بار مفعول به صورت صرفی و فاعل ساده می‌آید:

ده‌نگیژ سترانان دبیژن (ستران + ان)

ده‌نگ بیژان سترانان دبیژن (فرم غلط)

ای دختر از خانواده توانگران

ئه‌لی که چکا، ژ مال‌مه‌ستان

با صدای النگوهای دست‌ها  
سهم و قسمت نیکبختان شد

شیرره شیر را بازنی دهستان  
بو و قسمه تا خوه‌دی خوهستان

### حالت صرفی در فرم مجهول

شناسه صرفی مجهول از ترکیب شناسه‌های صرفی معلوم با شناسه‌های مجهولی ساده ایجاد می‌شوند:

#### شناسه‌ی صرفی مجهولی مفرد مؤنث

ئه‌کی ئه‌ک +ئ

هه‌فاله‌ک: یانی‌یه‌ک هه‌فال

هه‌فاله‌کی سا من کتاب ثانی. (هه‌فاله‌ک +ئ)

وئ سا من کتاب ثانی: برای درک بهتر مشاهده می‌کنید که در اینجا به جای یک اسم صرفی ضمیر صرفی قرار گرفته است

هه‌فاله‌کی، وئ: فاعل مؤنث

کتاب: مفعول

در اینجا فعل متعدی و زمان گذشته است، در چنین شرایطی (طبق قانون) و همان‌طور که مثال نشان می‌دهد فاعل‌ها صرفی و مفعول ساده (غیر صرفی) می‌باشد.

من و تو درخت یک دره

ئه‌ز و ته داری ناله‌کی

فراموش شدیم به یک‌باره

ژه بیر بوویی له چاله‌کی

چشم به راه یک دوست

چاف له ریا هه‌فاله‌کی

#### شناسه‌ی صرفی مجهولی مفرد مذکر

ئه‌کی... ئه‌ک +ی

شاگرده‌ک: یانی‌یه‌ک شاگرد

شاگرده‌کی هه‌لبه‌ست خوه‌ند. (شاگرده‌ک +ی)

وی هه‌لبه‌ست خوه‌ند برای درک بهتر مشاهده می‌کنید که در اینجا به جای یک اسم صرفی ضمیر صرفی قرار گرفته است

هه‌فاله‌کی، وی: فاعل مذکر

هه‌لبه‌ست: مفعول

در اینجا نیز فعل متعدی و زمان گذشته است، در چنین شرایطی همان‌طور که مثال نشان می‌دهد فاعل‌ها صرفی و مفعول ساده (غیر صرفی) می‌باشد.

ئه و كورده كي بي قه راره  
 او يك كرد بي قرار است  
 سا گولان را دل وه داره  
 براي گل ها دل به دار است  
 هم باغه و هم بهاره!  
 هم باغ است هم بهار

نکته: حال که شناسه های مؤنث و مذکر را شناختیم؛ باید این دو شناسه را در اشعار و سایر نوشته ها برای اسامی مذکر و مؤنث درست بکار ببریم. بدین سبب نیاز است لیست جنسیت اسامی در کرمانجی را بخوانیم که در درس بعدی توضیح خواهم داد.

### شناسه ی صرفی مجهولی برای جمع هم مذکر و هم مؤنث: ئنان

سالنان باران کیم دباره. (سال+ئنان)

در این مثال فاعل به صورت صرفی آمده است. نشانه صرفی بودن ئنان می باشد.

### جایگاه و کاربرد صرف ساختواژی در جمله

در زمان حال، آینده؛ در افعال متعدی مفعول به حالت صرفی ظاهر می شود لذا شناسه های (ئ، ان، ی) می گیرد. در این وضعیت فاعل به صورت ساده (غیر صرفی) می باشد.

مثال:

تو کتابی دخوینی: زمان حال

کتاب+ئ

ئه ز که فیری/کیتیر پی وه دکم: زمان حال

که فیر+ی

ئه م گولان ئاف ددن.

گول+ان

تو دئی به رخان ئاف بدی: زمان آینده

به رخ+ان

گه ری/دقی ئه م هه فالان فه خوینن: زمان حال

هه فال+ان

در زمان گذشته، در حالت ارگاتیو، فاعل شناسه های معرفه می گیرد. اگر فاعل ضمیر باشد؛ ضمایر صرفی استفاده می شود.

مثال:

روژینی ئه و ئانی

روژین+ئ

زمان فعل گذشته است و فعل از نوع متعدی، پس طبق روال، مفعول از دسته ضمائر ساده می‌باشد (ئهز، تو، ئه‌و، ئه‌م، هوون، ئه‌و) و فاعل صرفی. فاعل اسم و مؤنث می‌باشد و نشانه صرفی (ئ) گرفته است.

شغانی (شغین / شغان) په ز بر

شغان+ی

شغین / شغین / شغان

زمان فعل گذشته است و فعل از نوع متعدی، پس طبق روال، مفعول ساده است و شناسه‌ای نگرفته و فاعل صرفی است. فاعل اسم و مذکر می‌باشد و نشانه صرفی (ی) را در انتها گرفته است. البته اسامی مذکر به صورتی دیگر نیز می‌تواند صرف شوند. بدین ترتیب که از انتهای کلمه اولین حرف اگر (ا) و (ه) باشد؛ آن دو حروف به (ئ) تغییر می‌کنند. این نکته هم وجود دارد که صرف اسامی مذکر اجباری ندارد. به‌عنوان نمونه در فوق کلمه شغان و که‌فر به حالت ساده نیز می‌تواند بیایند.

در حالت ترکیب اضافی (مضاف + مضاف‌الیه) نشانه‌های معرفه که حالت صرفی به کلمه می‌دهد، در مضاف‌الیه ظاهر می‌شوند. اگر مضاف‌الیه ضمیر باشد همیشه ضمیر صرفی خواهد بود.

ضمایر صرفی: من، ته، وی، وئ، مه، وه، وان

مثال:

کتابا من

من (ضمیر صرفی)

دۆستی ته

ته (ضمیر صرفی)

و چنانچه مضاف‌الیه اسم باشد، باز صرف خواهد شد. مثال:

ئاردئ گه‌نمی / گینم / گه‌نم

گه‌نم+ی

سینفا دارئ

دار+ئ

کۆما هه‌لبه‌ستفانان

هه‌لبه‌ستفان+ان

بازارئ قوچانی

قوچان+ئ

اضافه‌های موصوفی اشاره نیز در هنگام صرفی این شناسه‌ها را می‌گیرند. مثال

فی هه‌فالی: مفرد مذکر/ نزدیک

وی هه‌فالی: مفرد مذکر/ دور

فی هه‌فالی: مفرد مؤنث/ نزدیک

وی هه‌فالی: مفرد مؤنث/ دور

فان هه‌فالان: جمع و نزدیک

وان هه‌فالان: جمع و دور

کلماتی که بعد از حرف اضافه می‌آیند، صرف می‌شوند و نشانه‌های صرفی می‌گیرند:

ئه و ژ مالی ده‌ردکه‌فه

ژ: حرف اضافه

مال+ئی

ئه زل هه‌سپی (هیسپ) سوار دیم

ل: حرف اضافه

هه‌سپ+ی

هه‌لبه‌ستشان ب مامۆسته‌یی را هاتن

ب: حرف اضافه

مامۆسته+ئی

گاه‌ها بعضی افعال کلمات بعد از خود را صرف می‌کند. کلماتی که بعد از این افعال سببی حرکتی می‌آیند شناسه‌های معرفه یا همان صرفی می‌گیرند.

مثال:

ئه ز هاتم مالی

مال+ئی

ئه و چوو که لاتی

که لات+ئی

چند مثال:

مفعول مؤنث شناسه صرفی گرفته است (زمان حال با مفعول صرفی و فاعل غیر صرفی):

هه‌لبه‌ستشان هه‌لبه‌ستی دستری

هه لبه ست + ئ

زه ری بزنی ددۆشه

بزن + ئ

سوهراب مریشکی سهر ژئی دکه

مریشک + ئ

به همهن هیکی دخوه

هییک + ئ

بهار گولئ بیهن دکه

گول + ئ

مفعول مذکر شناسه صرفی گرفته است (زمان حال با مفعول صرفی و فاعل غیر صرفی):

سیامه ند دیکی سهر ژئی دکه

دییک + ی

ئاشقان گینم / گهنمی دکه ئارد

گهنم + ی

سیپان گوشتی دخوه

گوشت + ی

دیا من ئاره شی دبه دبستانی

ئاره ش + ی

شناسه صرفی مجهولی مفرد:

خانیه کی سا من چی که

خانیه ک + ی

لاوکه کی گول دا که چکه کی

لاوکه ک + ی

به رانه کی شاخی خوه ل دیفیل ددا

به رانه ک + ی

ماله کئی ژ خوه را بکره

ماله ک+ئ

که چکه کئی دلی خوه دایه ته

که چکه ک+ئ

شناسه صرفی مجهولی برای جمع مذکر و مؤنث:

هه فالنان بیه کارگه ها هه لبه ستان

هه فالن+ان

که چنان ژ خوه را گول را کرن

که چن+ئان

زمان حال نشانه صرفی جمع در مفعول:

سیپان هه لبه ستان دبیره

هه لبه ست+ان

سه نه م هیکان سۆر دکه

هیک+ان

گولستان گولان دچینه

گول+ان

بیریقان بهرخان ئاف ددن

بهرخ+ان

دیا من هه فالان دبینه

هه فال+ان

زمان گذشته و فاعل صرفی:

نارتینی هیک خوارن

نارتین+ئ

باقکالی گول چاندن

باقکال+ئ



هه سه نی مانگه ئاف دان

هه سه ن+ی

ئه همه دی هه قال دیتن

ئه همه دی

مامۆسته بی هه لبه ست خوه نندن

مامۆسته +ی

شقانی به رخ ئاف دان

شقانی

زمان گذشته نشانه صرفی در فاعل:

هه قالان خانی پاقر کر

هه قال+ان

که چکان ده و کئیاند

که چک+ان

دایکان قالی ل دار خست

دایک+ان

زارۆکان ده ستین خوه شووشتن

زارۆک+ان

### اسم از لحاظ جنسیت

جنسیت یکی از پدیده‌های زبانشناسی است که در بعضی از زبان‌ها مشاهده می‌شود و در خیلی از زبان‌ها هم دیگر کاربرد ندارد. زبان‌های سانسکریت، لاتین، یونانی، فرانسوی، کردی کرمانجی، عربی، هندی، اردو، آلمانی و تعداد دیگری از زبان‌های متداول دنیا کم‌وبیش از این خصوصیت دستوری برخوردارند. پدیده جنسیت در زبان مختص اسامی است و شامل صفت‌ها و قیده‌ها نمی‌شود؛ یعنی فقط اسامی دارای جنسیت هستند. به عبارتی اسامی مذکر، مؤنث و یا خنثی می‌باشد. در بسیاری از زبان‌ها ویژگی جنسیت (مذکر، مؤنث و خنثی بودن) در کلمات از روی نشانه‌های دستوری یعنی پسوندها و پیشوندهای خاصی مشخص می‌شود. در برخی زبان‌ها دو نوع جنسیت داریم. یکی از آن‌ها جنسیت بیولوژیک (یا طبیعی) است که در همه زبان‌ها مشترک است. جنسیت بیولوژیک برای جانوران، انسان‌ها و حیوانات صدق می‌کند. چراکه می‌دانیم برخی مذکر و برخی مؤنث هستند. جنسیت دیگر نیز جنسیت دستور زبانی (جنسیت غیرواقعی) است که در همه زبان‌ها موجود نیست و یا به مرور زمان از بین رفته است. در زبان کردی کرمانجی جنسیت دستور زبانی نیز وجود دارد. به عبارتی تمامی اشیاء غیر جاندار یا مؤنث هستند، یا مذکر.

جنسیت بعضی اسم‌ها معلوم است مانند پدر/ مادر/ دختر/ پسر/ بهار/ گلی؛ که همه به آن واقفیم؛ اما به‌غیراز این حتی اسامی بی‌جان هم جنسیت دارند؛ مانند خانه/ آهن/ دریاچه/ کوه/ طلا/ پرتغال/ چاقو و خیلی از اسامی دیگر.

در ترکیب نشانه‌ی مشخص‌کننده جنسیت مؤنث «ا» و نشانه‌ی مشخص‌کننده‌ی جنسیت مذکر «ئ» هست. برای درک بیشتر ابتدا رجوع می‌کنیم به زبان فارسی:

در فارسی دوتا ترکیب داریم:

ترکیب اضافی

ترکیب وصفی

ترکیب اضافی: اسم + حرف‌اضافه‌ی ترکیبی + اسم (که به اسم اولی مضاف و اسم دومی مضاف‌الیه گفته می‌شود).

ترکیب وصفی: اسم + حرف‌اضافه‌ی ترکیبی + صفت (که به اسم موصوف و دومی صفت گفته می‌شود).

حرف اضافی ترکیبی در فارسی علامت کسره هست.

پسرِ من - پسر + — + من

پسر - مضاف

کسره - حرف‌اضافه‌ی ترکیبی

من - مضاف‌الیه

گلِ قرمز - گل + کسره + قرمز

گل - موصوف

کسره - حرف‌اضافه‌ی ترکیبی

قرمز - صفت

در فارسی چون جنسیت وجود ندارد حرف‌اضافه ترکیبی برای تمامی اسامی همان کسره است؛ اما در کرمانجی معادل این کسره (حرف‌اضافه‌ی ترکیبی) ما با دو حالت مواجهیم که بر اساس جنسیت آن متفاوت ظاهر می‌شود. به عبارتی اگر اسم مؤنث باشد معادل آن کسره، نشانه‌ی جنسیت مؤنث یعنی «ا» را می‌گیرد.

مانند:

که‌چا من - دخترِ من

سینقا سۆر - سیبِ قرمز

و اگر اسم مذکر باشد نشانه‌ی جنسیت مذکر یعنی «ئ» را می‌گیرد.

مانند:

لاوئ من - پسرِ من

باقی وی - پدر او

دلی من - دل من

سوری تاری - قرمز تیره

پس ما در کرمانجی معادل کسره‌ی فارسی که نقش ترکیب‌کننده دو اسم یا یک اسم و یک صفت را دارد دو حرف داریم که برحسب جنسیت اسم مشخص می‌شود. همچنین نشانه جمع آن‌هم «ین» هست که برای مذکر و مؤنث یکسان بکار می‌رود؛ که معادل «های» (نشان جمع) در فارسی است؛ مانند:

گولین بره‌فش - گل‌های زیبا

لاوین من - پسرهای من

مالین مه‌زن - خانه‌های بزرگ

\*نکته: در خراسان نشانه جمع «ئینه» می‌باشد؛ و نمونه‌های فوق بدین صورت نوشته می‌شوند: (گولینه بره‌فش، لاوینه من، مالینه مه‌زن)

جنسیت طبیعی یا بیولوژیک در اسامی: جنسیت برخی جانداران به صورت طبیعی قابل تشخیص است. این نوع جنسیت در تمامی زبان‌ها موجود می‌باشد. همچنین در کردی نیز وجود دارد. مثل:

مؤنث: (که‌چک) دختر، (ژن) زن، (داییک) مادر، (دایپر) مادر بزرگ، (مه‌ت) عمه، (خالتی) خاله، (خوه‌نگ) خواهر...

مذکر: (لاوک) پسر، (میر) مرد، (باڤ) پدر، (باڤکال) پدر بزرگ، (ئاپ) عمو، (خال) دایی، (برا) برادر...

برخی اسامی وجود دارند که خود خنثی هستند، درحالی‌که جنسیت آن‌ها با کمک برخی کلمات و شناسه‌ها مشخص می‌شود؛ یعنی با کمک کلمات مذکر و مؤنث در کنار اسم جنسیت آن‌ها مشخص می‌شود. نظیر (هرچی نیر) خرس مذکر، (هرچا می) خرس مؤنث. (که‌وا می) کبک ماده، (که‌وی نیر) کبک نر.

برخی واژگان هستند که در ذات خود هر دو جنس را شامل می‌شوند، برای تفکیک جنسیتی از واژگان مذکر و مؤنث (نرینه و مادینه) به صورت پیشوند و پسوند استفاده می‌شود. نظیر:

دیل، ماک، مان، می، نیر، دوت، پس

دیله‌گور، ماکه‌ر، پسمام، میکه‌و، مانگه، دوت‌مام، ژنبر، ژن‌ئاپ...

جنسیت برخی کلمات خنثی نیز از راه صرف شدن و شناسه‌های جداکننده مشخص می‌شود. به‌عنوان نمونه کلمه «هه‌قال» یک کلمه خنثی است. در وهله اول جنسیت کلمه «هه‌قال» مشخص نمی‌باشد. در بین جمله و از طریق صرف شدن و جداکننده جنسیت آن شناخته می‌شود. (در بخش مربوط به صرف شدن، با شناسه‌های مذکر و مؤنث قبلاً آشنا شدیم).

مثال:

هه‌قالی گوت - دوست مؤنث گفت

بهاری گوت

هه‌فاله کی گوت

یک دوست مؤنث گف (نشانه مؤنث ه کی است)

هه‌فالا من

دوست من مؤنث (نشانه مؤنث است)

هه‌فاله که من

یک دوست من مؤنث (نشانه مؤنث ه که است)

از این جملات این گونه فهمیده می‌شود که آن دوست مؤنث می‌باشد؛ اما زمانی که می‌گوییم،

هه‌فالی گوت (در خراسان هه‌فیل گوت)

قوربانی/قوربین گوت

هه‌فاله کی گوت

هه‌فالی من گوت

هه‌فاله کی من گوت

آن هنگام این گونه برداشت می‌شود که اشاره به یک دوست مذکر می‌شود.

جنسیت دستور زبانی: نوع دوم واژگانی هستند که جنسیت ظاهری آشکاری ندارند اما از گذشته‌ها تا کنون در زبان کردی کرمانجی مذکر یا مؤنث قلمداد می‌شوند. به همین خاطر برخی زبان‌شناسان آن را به‌عنوان «جنسیت غیرواقعی» نیز نام‌گذاری می‌نمایند. جنسیت آن‌ها از طریق شناسه‌های صرفی و جداکننده‌ها شناخته می‌شود. ناگفته نماند که خود جنسیت طبیعی (بیولوژیک) نیز از طریق شناسه‌های صرفی و جداکننده‌ها نشان داده می‌شود. بسیاری از کلمات در حقیقت جنسیتی ندارند. اما در کرمانجی برخی از آن‌ها مؤنث و برخی دیگر مذکر در نظر گرفته می‌شوند. از طرق مختلف می‌توان جنسیت کلمات را شناخت. یک روش این است که از سوی زبان‌شناسان دسته‌بندی جنسیت کلمات به‌صورت فهرستی انجام گرفته است که برای درست‌نویسی باید به آن رجوع کرد؛ که در ادامه دسته‌بندی آن را خواهیم گفت. همچنین در فرهنگ‌نامه کردی با رجوع به کلمه، جنسیت آن نیز در کنار آن نشان داده شده است. با شناخت جنسیت اسامی لازم است که شناسه‌های مرتبط با آن در جمله صحیح به‌کاربرده شود.

جنس اسم‌ها در کردی کرمانجی:

مؤنث: در این گروه اسامی به‌عنوان مؤنث شناخته می‌شوند و در جایگاه‌های مختلف نشانه مؤنث می‌گیرند.

۱- تمامی اسم‌هایی که نمایانگر موجودات مؤنث هستند. مثل:

که‌چک، داییک، بز، مریشک، خالتی، ژنک

که‌چا بره‌فش - دختر زیبا

داییکا دلسۆز - مادر دلسوز

۲- اسم‌هایی که بیانگر محل‌های مسکونی باشد (آنچه نشان‌دهنده فیزیک محل زندگی باشد)؛ مانند (دبستان، دهرمانگه، مال، کارگه، فیرگه).

به‌جز کلمات (کۆن/کۆین، خانی، ئاخور) که مذکر می‌باشند.

مال: مالا من - خانه‌ی من

کارگه: کارگه‌ها نه‌قاشی - کارگاه نقاشی

دبستانا قۆچانی - دبستان قوچان

۳- اصطلاحاتی که بیانگر وسایل خانگی هستند. مثل سینی، چه‌نگال، ناندان، قه‌ندان

سینی: سینی‌گر - سینی بزرگ

۴- اصطلاحاتی که بیانگر وسایل نقلیه و ابزار حمل‌ونقل هستند. مانند ئۆتۆبوس، بالافر، ئه‌ره‌به (ماشین)

ئۆتۆبوس: اتوبوس

ئۆتۆبوسا مه‌زن - اتوبوس بزرگ

۵- اسامی کشورها شهرها و کوه‌ها و تمام مناطق جغرافیایی

مثال:

کوردستان، خوراسان، ماکوو، ئه‌ورۆیا، که‌لات، شیروان، شاه‌یجان، گولیل

خوراسانا مه: خراسان ما

نکته: واژگانی همچون شهر/ بازار، وه‌لات، چیا،... هنگامی که به‌تنهایی و خود این واژه‌ها در جمله بیایند مذکر هستند. مثال (ئه‌ز چووم باژیر) (شه‌رئ/ باژارئ شیروانی) یا (وه‌لاتئ خوراسانی) یا (چایی شاه‌یجانی)؛ اما هنگامی که نام می‌گیرند تبدیل به مؤنث می‌شوند. مثال (ئه‌ز چووم قۆچانی)، (شیروانا مه)، شاه‌یجانا سه‌ربلند)

۶- اسامی هر آنچه در آسمان یافت می‌شود. (به‌جز ئه‌سمان، با و ئه‌ور). تمامی اشیا مربوط به فضا و رخدادهای جوی مؤنث می‌باشند. مثل چیک، برووسک، به‌رف، باران، باب‌لیسک

رۆ: روز رۆیا ته - روز تو

باگر: توفان

باگرا مه‌زن - توفان بزرگ

۷- همه اصطلاحاتی که بیانگر خوراکی‌ها باشند. (به‌جز کلمات نان، گوشت، تری، جه‌ه، گارس، گه‌نم و اغلب فراورده‌های لبنی)

شۆربه: سوپ، آبگوشت شۆربه‌یا خواه‌ش: سوپ خوشمزه

گیرمی: گیرمیا شور: آش شور

سیتفا بتام - سیب خوش‌طعم

۸- مصدر افعالی که به عنوان اسم به کار می‌روند. (به فعلی که هنوز صرف نشده باشد مصدر می‌گویند) مثال

خوارن: خوردن

خوارنا خواهش - خوردنی خوشمزه

هاتن: آمدن

هاتنا ته: آمدن تو

۹- وسایل نوشت افزار مثل

کتاب: کتاب

قه‌له‌م: مداد

قه‌له‌ما رهش - مداد سیاه

۱۰- اسامی قسمت‌های روز، ماه و سال‌ها و تقسیمات زمانی مؤنث می‌باشند مانند مه، ئی‌قار، به‌ریانگ، هه‌فته، دوشه‌می، رو،

بینگاف، گاف، ده‌م، سائت

رویا نوو - روز نو

\* نکته: اسامی کلمات مرتبط به دستور زبان (فعل، مفعول، جمله، فاعل، گزاره، نهاد و...) مؤنث می‌باشند. اغلب کلمات بیگانه که وارد کرمانجی شده‌اند (تلفن، رادیو، لپ‌تاپ، کامپیوتر، فیلم، موبایل و...) مؤنث هستند. اسم‌هایی که انتهای آن‌ها «ای/تی/هی» گرفته باشد و اصطلاحاً به آن‌ها اسم انتزاعی می‌گویند در رده مؤنث جایی می‌گیرند (رندی، کالتی، جه‌وانی، جاهتی، مروفاهی و...).

### جنس اسم‌ها در کردی کرمانجی

مذکر: در این گروه اسامی تحت عنوان مذکر شناخته می‌شوند و در جایگاه‌های مختلف نشانه مذکر می‌گیرند.

۱- تمامی اسم‌هایی که نمایانگر موجودات نر هستند.

با‌ف، برا، دیک، به‌ران، نیری، ئاپ، لاو

با‌ف: پدر باقی من - پدر من

برا: برادر برایی من - برادر من

۲- اسامی اعداد به جز عدد یک

دو: دو

دودی‌ی من - دوتای من

۳- اسامی رنگ‌ها

زهر: زرد زهری تاری - زرد تیره

سؤر: قرمز سؤری فه کری - قرمز روشن

۴- اسامی محصولات، شیر و فراورده‌های لبنی که از حیوانات به دست می‌آیند مذکر می‌باشند. البته به جز: (هری، توراق، لورک، لفا، هیک)

مثال: تو، ماست، گوشت، دۆهن، شیر، دهو، روون

ماست: ماست

ماستی خواهش - ماست خوب / خوشمزه

روونی پیژ - روغن گوسفند

۵- اسامی فلزات مثل ههسن، زیف

زیف: نقره

زیفی سپی - نقره‌ی براق

ههسنی گران - آهن سنگین

\*نکته: بیشتر سلاح سرد مذکر و سلاح گرم مؤنث می‌باشند.

۶- اسامی رود و رودخانه‌ها مذکر هستند البته به جز جوو، ده‌ریا، گول.

چهم: رودخانه

چهمی فراتی - رودخانه فرات

۷- اعضای بدن: بیشتر اعضای بیرونی بدن به‌طور کلی مذکر می‌باشند. تعدادی از اعضای بدن به‌صورت مؤنث نیز آورده می‌شود (مانند لیف، پشت، کهزهو، چه‌نه)؛ و گاهی به هر دو فرم نیز دیده می‌شود. مثلاً کلمه سینگ (سینه) در لهجه‌ها هم به‌صورت مؤنث و هم مذکر دیده می‌شود.

دل، دهست، لنگ، پی، ههستی، چاف، زک، هوور

زمان: زبان

زمانی دریژ - زبان دراز

شناسه‌هایی که اسامی بنا بر جنسیت کلمات به خود می‌گیرند:

از راه صرفی جنسیت کلمات مذکر:

خانیی / خینی بشو

خانه مذکر است و نشانه صرفی (ی/ئی) گرفته است

دهریبی / دیّری فه که

در مذکر است و نشانه صرفی (ی / ای) گرفته است

وی که ری بینه

خر مذکر است و نشانه صرفی گرفته است

ئه ز دئ ههرم وه لیت

کشور مذکر است، صرف شده است به عبارتی نشانه صرفی ئ گرفته است.

\*نکته: همان طور که قبلاً اشاره کردیم انتهای واژگان مذکر که دارای واج «ا» و «ه» باشند، در جایگاه صرف شدن «ا» یا «ه» به «ئ» تبدیل می شود.

از راه صرفی جنسیت کلمات مؤنث:

دارا باده می هسک بوویه

کلمه ی بادام مؤنث است و نشانه صرفی ئ گرفته است

گه لو تو سیقی ناخوی

کلمه ی سیب مؤنث است و نشانه صرفی ئ گرفته است

وی قه له می بده من

کلمه مداد مؤنث است و نشانه صرفی ئ گرفته است

کیان مینا گوله کی خواهه

گل مؤنث است و نشانه صرفی ئ گرفته است

\*نکته: همان طور که قبلاً اشاره شده کلمات مؤنث هنگامی که صرف می شوند انتهای آن حرف «ئ» می آید.

در رابطه با اسامی ای که در اصل فاقد جنسیت هستند، قانونی وجود ندارد. لذا جنسیت آن‌ها به دست فراموشی سپرده می شود. این مسئله در سایر زبان‌ها مثل فرانسوی و آلمانی نیز صدق می کند. کسانی که این زبان‌ها را می آموزند بایست جنسیت آن‌ها را نیز حفظ نمایند. در فرهنگ‌ها در کنار کلمات جنسیت آن‌ها نیز نوشته می شود. شایان ذکر است که در کرمانجی در رابطه با جنسیت برخی کلمات اختلاف وجود دارد، در برخی مناطق یک کلمه مؤنث است درجایی دیگر مذکر می باشد. لذا دسته بندی‌ها صد در صد نیستند و همیشه استثنائات جزو لاینفک می باشند. به عنوان نمونه کلماتی نظیر پور، ئرد، تشت، وهخت، ههفته، ره و غیره در برخی مناطق مؤنث و در برخی دیگر مذکر می باشد. غیرازاین تعدادی از کلمات مشابه با کمک جنسیت از یکدیگر جدا می شوند. نظیر کلمه «دار» زمانی که «درخت زنده» باشد، مؤنث است «دارا مالی»، اما زمانی که بریده می شود تبدیل می شود به «داری هسک» یعنی مذکر. به دلیل اینکه برای مشخص نمودن جنسیت دستور زبانی قانونی وجود ندارد، بعضی از زبان‌شناسان کرد لیست اشیا مذکر و مؤنث را ارائه داده‌اند که اشاره کردیم.



### مثال و سه خستی:

کوینی باقی من مهیدانه  
 پاشی، پیشی لی هلدانه  
 شهرقه شهرقا وان قه ندانه  
 کوینی باقی من (ئ: مذکر)

رؤیی چووی ل فررینی  
 بری من چوو په زکررینی  
 په ز قیمهت وو، ناته دینی  
 بری من (ئ: مذکر)

گولمه خمه له دامانی ته  
 چ شیرینه زمانی ته  
 بژنورت بوویه مه کانی ته  
 زمانی ته (ئ: مذکر)

مه کانی ته (ئ: مذکر)

وه چافی خوه ئه شاره که  
 جاری فردا ته ماشه که  
 دهردی دلی من چاره که  
 چافی خوه (ئ: مذکر)  
 دهردی دل (ئ: مذکر)

دلی من (ئ: مذکر)

هه سپی ره شی هیرره هیرره  
 و دهست دوشمنه ئه و هیسیره  
 فا دهردا ناوه ژ بیره  
 هه سپی ره ش (ئ: مذکر)

چیای سهر مه وه گولگه زه  
 دیسا هاتیه ساللا ته زه

دەبارژە سەخل پەزە  
 سالا تەزە (ا: مۇنث)

ئەزى تىمە ژ مەشەتى  
 سىفا سۆرە ل سەپەتى  
 نیشان دكەم قىزا مەتى  
 سىفا سۆر (ا: مۇنث)  
 قىزا مەتى (ا: مۇنث)  
 مەشەتى (مۇنث)

ئەز چوچكا نكل خوينم  
 ل سەر دارا خانلەرخينم  
 مەللە نينم ئەز بخوينم  
 چوچكا نكلخوين (ا: مۇنث)  
 دارا خانلەرخين (ا: مۇنث)

وەرکەتپە چىكا پيۇر  
 شەرقى دابە كە لا گيۇر  
 تو ئىمام وى، ئەز مجيۇر  
 چىكا پيۇر (ا: مۇنث)  
 كە لا گيۇر (ا: مۇنث)

ئىشەف شەفا پاش بارانى  
 سيارە چو چنارانى  
 ئەز قانتووزا بەر ليوانى  
 قانتووزا بەر ليوانى (ا: مۇنث)

وەلاتى مە ئەرزروومە

و چييا و گول و توومه  
 ههفت سالن نه ز ژئ جى بوومه  
 وه لاتي مه (ئ: مذكر)

بوومه كه فرئ شوونئ واران  
 نگریمه خوین و باران  
 شهوتی مالا سه به بكاران  
 كه فرئ شوونئ (ئ: مذكر)  
 مالا سه به بكاران (ا: مؤنث)

ثافهك تهره سهر ده شیوه  
 مالا یاری من له زیوه  
 بوومه كوندئ سهر خرپوه  
 یاری من (ئ: مذكر)  
 مالا یاری (ا: مؤنث)  
 كوندئ سهر (ئ: مذكر)  
 خرپوه (مذكر)

ماراوه بی و شفیشكه  
 نیر و مه یان فشكه فیشكه  
 قه لندی یاری چهل مریشكه  
 قه لندی یاری (ئ: مذكر)

نه ز دایكا ته گولستانم  
 له ناف چیان سهر گزدانم  
 ته ناوینم، دل وه ژانم  
 دایكا ته (ا: مؤنث)

که چکا غه ریو ل وهر تافی

هیستر دریت مینا تافی

دل دخواز مالا بافی

که چکا غه ریو (ا: مؤنث)

مالا بافی (ا: مؤنث)

ئافا چیان و مروور تی

چهره جایله ک و قورور تی

سهوا که چکا ددانهوور تی

ئافا چیان (ا: مؤنث)

که چکا ددانهوور (ا: مؤنث)

## ندا

ندا یا صوت حرفی است که برای صدازدن و خواندن کسی یا چیزی به کار می‌رود. در زبان فارسی شامل مواردی از قبیل، ای، یا، آی... می‌باشد؛ و به اسمی که مورد ندا قرار می‌گیرد منادا می‌گویند؛ مانند ای دوست، ای معلم و غیره. اسم در کردی کرمانجی چون دارای جنسیت است، حالت‌های حرف ندا و به تبع آن پسوندهای منادا متفاوت ظاهر می‌شود.

اسامی ندایی:

اسامی ندایی به وسیله حرف اضافه و پسوند ندایی ساخته می‌شوند.

سه نوع پسوند ندایی وجود دارد.

این پسوندها جنسیت (مذکر و مؤنث) و تعداد اسامی یا پرشمار بودن آن را مشخص می‌کنند. این پسوندها به اسامی متصل می‌شوند.

## لۆ - و

لۆ- و، لۆ- و برای اسامی مذکر و مفرد بکار می‌رود.

مانند:

دهنگیژۆ! لۆ شفانو! باقۆ! برایۆ! برۆ! هه فالۆ! به همه تو! لۆلۆ چیۆ، خالۆ، ئاپۆ، به بۆ

لۆلۆ، لاوکۆ دیا خوه نه یشینه.

لۆ برايۆ! رابه رۆ دهرکهت.

بههمه نۆ! دهرسین خوه بخوینه.

شفانو! ههره بهر پیتز.

کراسگه وری له بن داری

جایلو! وهره باقی ناری

ته بوینم سالی جاری

چارغلییۆ، چارغلییۆ

چارغان بیخن، وهره جیۆ

باسکی من سا ته بالگیۆ

(چارغلییۆ)

(...جیۆ، ...بالگیۆ پسوند متصل به فعل)

لۆ شقانی پیزی مهرری

لۆ دکه مه، مه گهر کهرری

ژ هالی مه بیخه وهری

(لۆ شقانی پیزی)

ری گری دان له ئه زمانان

برین چی بوون وه خه زمانان

خهلکو ناوینم دهرمانان!

(خهلکو)

لۆ مهرگانی دهره گهزی

وه دوو نیچیران دوهوگی

تفانگ گرانه، پیلای ته تهزی

(لۆ مهرگانی دهره گهزی)

لا لاوکا، بیغیره تا  
 خه لکی کولیان کر داو تا  
 تا کینگا بخونه نانی وه مننه تا  
 (لا لاوکا... در خراسان و در لهجه ها بجای لَو، لا نیز بکار می رود)

## لی - ی

لی - ی، ی برای اسامی مؤنث و مفرد بکار می رود.

مانند دای، ستران بیژی، لی شیلانی، بیریقانی که چی! خویشکی! لی هه فالنی! بهاری! روژناکی ده دی، بووکی، خوانگی، مه تی

هه فالنی! روژنامه یی بخوینه.

لیلی، که چکی چ دکی؟

لی خاتوونی، که ره م بکه.

روژناکی! کراسی خوه قه فچل مه که.

لی که چکا دلشکه سستی!

غم گیشتییه تا هه سستی

ژ گه پین خه لکی وه سستی

(لی که چکا...)

ئه لی گولی! گولا زیری

پرر شیرینه مینا شیری

ته وه کودا بینمه گیری

(ئه لی گولی!)

ئه لی که چکی چارده سال!

ده ری کوینی رهش دمال

فهك دكهني، دل دنال

(ئهلهي كه چكي...)

ئهلهي زهريي! تهوله زهريان

خام بهرندير تهوله كهريان

و دهستگرت، چاف ل دهريان

(ئهلهي زهري...)

ئهلهي ياري! تو نازنازي

بهري رويي، تو كاغازي

من چ بوويه، تو ناخوازي؟

(ئهلهي ياري...)

## نۆ

تۆ براي اسامي جمع در هر دو جنسيت بكار مي رود.

مانند هه فالتۆ! لاوكتۆ! كه چكتۆ! خه لكتۆ!

هه فالتۆ! ئەم ئيشه ف ل فرا نه (ني)

خه لكتۆ! وهرن داوه تي

كارگه رتۆ! چما كار ناكن

بقر دانينه بهر زهيتي، خه بهر دن

وهرن ياخي هه ف و ناليني بهردن

مه ژ دهستين دوئا جاران نهدي خير

وهرن هوون كوردتۆ، دهسته ك ب بهر دن!

(كوردتۆ)

حرف اضافه ندابي دو نوع هستند و قبل اسم مي آيند شامل:

## ئەي، گەلى

حرف اضافى «ئەي» وقتى قبل اسامى قرار مى گيرد، آن اسامى پسوند ندائىي نىمى گيرند. مثال:

ئەي ھەقال! اي دوست

ئەي كورد!

ئەي ملەت!

حرف اضافى «گەلى» تنها برای اسامى جمع بكار مى رود. اسامى كه با «گەلى» استفاده مى شوند، پسوند «ان» مى گيرند. (حرف اضافه گەلى در خراسان کاربرد ندارد)

گەلى ھەقالان! اي دوستان

گەلى ملەتان!

گەلى مروقان!

گەلى ھاقالان = ھەقالنو

ئەي ھەقال = ھەقالو/ھەقالى

ئەي ھەقال وەرە: ھەقالو/ھەقالى وەرە

نکته: اسامى منادا و يا آنهائى كه مورد خطاب واقع مى شوند ممكن است غير انسان باشند. به عنوان مثال اسم يك شهر باشد در اين صورت بايد جنسيت آن كلمات را از قبل دانست كه تا در استفاده از نشانه و پسوندهائى ندا و منادا اشتباهى صورت نگیرد (رجوع شود به بحث جنسيت اسامى در کرمانجى)

## منابع

- ۱- دستور زبان کرمانجى سامى تان
- ۲- دروس دستور زبان و درست نويسى کرمانجى چتین تاش
- ۳- مدرس کردى سطح يك دانشگاه آرتوكلو
- ۴- هينكر نوشته سامى تان و...